

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

تحلیل اهمیت و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی نظام آموزشی کشور

امیرحسین خدابنده پور اقدم، دکتر سولماز نورآبادی*

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد
- ۲- عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

Email: ahkh.plan@gmail.com
Email: nourabadi@shahed.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی جایگاه، اهمیت و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی در نظام آموزشی کشور است. روش پژوهش حاضر کیفی است که به تحلیل تمام اسناد و مدارک مرتبط با آموزش سواد رسانه‌ای پرداخت تا اهمیت و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای را در برنامه درسی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار دهد. نتایج پژوهش نشان داد، عموماً در کشورهای توسعه‌یافته، سواد رسانه‌ای به عنوان یک ضرورت در جوامع تلقی می‌شود و توسعه و بسط آن در جامعه یکی از رسالت‌های اصلی دولت‌ها در دوران نوین اطلاعاتی است. اما متأسفانه در کشور ما، با توجه به سیاستگذاری‌های صورت گرفته، آموزش سواد رسانه‌ای در دوره متوسطه دوم ارائه می‌شود که نشان از ضعف در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی است. همچنین با توجه به حساسیت موضوع و با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد، که بصورت رسمی آموزش سواد رسانه‌ای در پایه‌های پایین‌تر تحصیلی بخصوص دوره اول ابتدایی صورت نمی‌گیرد که این نشان از عدم توجه به اهمیت به آن در این برهه حساس می‌باشد. در نهایت می‌توان گفت با توجه به تغییرات افسارگسیخته فناوری‌های نوین و همچنین تغییر مصرف رسانه‌ای جوامع و پیدایش و ورود آموزش مجازی به شیوه نوین و در پی آن مواجهه دانش‌آموزان با رسانه‌ها، سواد رسانه‌ای بیش از پیش نقشی حیاتی در نظام آموزشی ایفا می‌کند که توجه بیش از پیش سیاستگذاران نظام آموزشی بر این امر را می‌طلبد.

کلمات کلیدی: سواد رسانه‌ای، آموزش سواد رسانه‌ای، دوره ابتدایی، برنامه درسی.

۱. مقدمه

در هر عصری، تعلیم و تربیت وابسته به انسان‌هایی است که مسئولیت آن را بر عهده دارند و نیز تابع کیفیت فرهنگی است که در چارچوب آن، این فعالیت صورت می‌گیرد. مخاطب برای مواجهه با رسانه‌ها از ابزار دوگانه مهارت و شایستگی استفاده می‌کند. شایستگی تنها ویژگی است که مخاطب به طور معمول در سال‌های نخستین کسب می‌کند و امکان ارتقای آن اندک است. در حالی که مهارت‌های استفاده از رسانه‌ها، امکان ارتقای بیشتری دارد. با وجود شکافت بسیار بزرگی که در زمینه سواد رسانه‌ای بین افراد مختلف در کشور وجود دارد، این مسئله لزوم پرداختن به آموزش سواد رسانه‌ای را بیش از پیش یادآور می‌شود. به دلیل اهمیت ارتقای سواد رسانه‌ای در جامعه، دولت باید برنامه آموزش و یادگیری شهروندان را در جهت ارتقای سواد رسانه‌ای آنها در اولویت قرار دهد و تدابیر جدیدی در این زمینه بیاندیشد. یعنی همانطور که در جبهه مبارزه با بیسوادی حرکت می‌کند، باید آموزش سواد رسانه‌ای در جامعه به‌ویژه در مدارس را آغاز کند، چرا که یکی از اهداف اصلی سواد رسانه‌ای، آگاه کردن و کاهش آثار منفی رسانه‌ها بر روی کودکان و نوجوانان است [۱].

به طور سنتی، سواد رسانه ای به عنوان آموزش دانش‌آموزان درباره رسانه و شیوه دسترسی و درک مطلب آن (مانند مصرف رسانه) تعبیر می‌شود. از آغاز قرن بیست و یکم، فناوری‌های جدید رسانه‌ای، مفهوم سواد رسانه‌ای را گسترش داده‌اند تا (دوباره) شامل تولید محتوای رسانه‌ها و به اشتراک‌گذاری آنها با دیگران (یعنی تولید رسانه) شود [۲]. از آنجا که کودکان و نوجوانان به اطلاعات ورودی از جمله والدین، اعضای خانواده، تحصیلات و سایر منابع دسترسی متفاوتی دارند، در درک اعتماد به نفس شخصی خود و دنیای اجتماعی، در میزان اتکا به تلویزیون، اینترنت و ارائه رسانه‌های جمعی متفاوت هستند [۳]. سواد رسانه‌ای به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا چگونگی ارائه ارزش‌ها در رسانه‌های جمعی و چگونگی ارزیابی تفاوت‌های کیفیت، ارتباط و سودمندی در میان آرایه‌های روزافزون سرگرمی و انتخاب اطلاعات را گسترش دهند [۴]. یکی از وظایف نهاد آموزش و پرورش، توانمندسازی دانش‌آموزان برای زندگی در عصر حاضر است. این نهاد، زیربنای توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود و معماران فردای کشور را تربیت می‌کند [۵]. از اینرو به نظر می‌رسد که اگر فرصت آموزش «سواد رسانه‌ای» در سال‌های طفولیت به بهانه زود بودن شروع آن، از دست برود؛ عادات دانش‌آموزان در سنین بالاتر ثابت مانده و اصلاح آن امری سخت خواهد بود [۳].

با توجه به وابستگی مخاطبان به رسانه‌ها و فرآورده‌های رسانه‌ای، داشتن توانایی قدرت تجزیه و تحلیل، تشخیص، درک و انتخاب پیام رسانه‌ای و همچنین مقاوم‌سازی آنان در برابر نفوذهای ناشی از قدرت رسانه‌ها ضرورت پیدا می‌کند. در این میان سواد رسانه‌ای مهارتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد که می‌توان اثرات رسانه‌های گروهی را تعدی کند و به مخاطبان این امکان را بدهد که با آگاهی کامل، پیام رسانه‌ها را پردازش کنند. از آنجایی که رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر نگرش، اندیشه و رفتار مخاطبان دارند، آموزش و شناخت روش‌ها و عملکردهای رسانه‌ها ضرورتی مهم به شمار می‌رود [۶]. دانش‌آموزان از مصرف‌کنندگان اصلی رسانه‌ای مختلف به شمار می‌روند و از سویی با همگرایی رسانه‌ها و سهولت در دسترسی به برنامه‌های مختلف رسانه‌ای مانند شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، آنها به نوعی بدون آگاهی و آموزش‌های لازم به ویژه در زمینه سواد رسانه‌ای انتقادی در معرض پیام‌های رسانه‌ها قرار می‌گیرند که لازم است با اجرای دوره‌های سواد رسانه‌ای، برای توانمند کردن و ارتقای آگاهی‌های لازم در استفاده از رسانه‌ها کوشش‌های جدی به عمل آید [۷]. با توجه به اینکه کودکان، آینده‌سازان جامعه محسوب می‌شوند؛ بخش بزرگی از باورها، اعتقادات و دانسته‌های بزرگسالی آنها در سنین کودکی در ذهنشان شکل می‌گیرد. در ضمن علاوه بر محیط و خانواده، قسمت عمده‌ای از این یادگیری‌ها از طریق رسانه‌ها به آنها منتقل می‌شود. بنابراین لازم است در مورد قرار گرفتن آنها در معرض مواد و تولیدات رسانه‌ای توجه ویژه‌ای مبذول شود. از همین رو، در سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز (۱۳۹۰)، به زمینه‌سازی برای مدیریت بهینه محیط رسانه‌ای و

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

کمک به ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای و بهره‌برداری مناسب از محیط نوظهور یادگیری اشاره شده است. همچنین طبق برنامه ملی درسی (۱۳۹۱)، نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد با پاسخگویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی، رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند که در این برنامه به سواد رسانه‌ای تاکید شده است [۵]. از اینرو پژوهش حاضر به بررسی جایگاه، اهمیت و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی در نظام آموزشی کشور می پردازد.

۲. بیان مسئله

«در جوامع معاصر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تغییر و تحولات چشمگیری در مسائل اجتماعی و فرهنگی شده‌اند» [۸]. عصر حاضر با توجه به تغییرات و دگرگونی‌های لحظه‌ای، به ویژه فضاهای جدیدی که دانش و اطلاعات در آن سیر می‌کند، بسیار متفاوت‌تر از آن چیزی است که نسل‌های گذشته تجربه می‌کردند؛ به گونه‌ای که شیوه کسب دانش، دچار تحول اساسی شده است» [۹]. با شیوع ویروس کرونا و سوق دادن تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به سوی آموزش مجازی و استفاده از بسترهای فاوا در برنامه‌درسی، چالش جدیدی در نظام آموزشی کشور مطرح شد. «رسانه‌ها نیز با درک این موقعیت، آنچنان با شیوه‌های تبلیغی و اقناعی در جهت همراه‌سازی مخاطبان با اهداف خود می‌کوشند که بسیاری از آنها را با خود همفکر و هم‌رای می‌سازند» [۱۰]. اینک رسانه‌ها، شکل تازه‌ای به زندگی ما داده‌اند. نوجوان دانش‌آموز، از کاربران رسانه‌های نوین هستند و برای استفاده مطلوب و خردمندانه از آنها، نیاز به سواد رسانه‌ای دارند [۵].

«اندیشمندان حوزه ارتباطات و رسانه‌ها، از حدود چند دهه پیش همواره دغدغه آسیب‌رسانی رسانه‌ها و آسیب‌پذیری شهروندان در جامعه جهانی را داشته‌اند و برای کاهش اثرات مخرب آنها، ایده‌ها و پیشنهادهای را ارائه کرده‌اند که یکی از این پیشنهادات، تقویت «سواد رسانه‌ای» شهروندان در جامعه است» [۱۱]. معمولاً وقتی تأثیرات مخرب انواع رسانه‌ها مانند بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های مجازی به صورت افت تحصیلی، مشکلات اخلاقی و رفتاری و آسیب‌های اجتماعی آشکار شود، به راه‌های برون‌رفت از این بحران‌ها اندیشیده می‌شود. «در حالی که بهتر است این گروه را به ابزار نیرومندتری به نام سواد رسانه‌ای مجهز سازیم تا خود به کمک والدین و سایر منابع مفید، فعالانه دست به گزینش‌گری و پالایش‌بزند و رژیم مصرف رسانه‌ای خود را تنظیم و کنترل کنند» [۱۲].

«سواد رسانه‌ای، توانایی‌های دسترسی و استفاده از رسانه‌ها، تولید پیام و ارتباط با رسانه‌ها، تحلیل و ارزیابی انتقادی محتوای رسانه‌ها تعریف شده است» [۱۳]. «به عبارت دیگر سواد رسانه‌ای، قابلیت است که به فرد امکان می‌دهد تا با رسانه‌ها و ارائه‌دهندگان اطلاعات به طور مؤثر تعامل داشته باشد و برای یادگیری مستمر و مادام‌العمر از آن رسانه‌ها بهره‌گیرد و در مواقع لازم پیام‌ها و کارکردهای آنها را نقد کند» [۱۴]. تعامل گسترده در آموزش مجازی یکی از ویژگی‌های این نوع از آموزش‌ها می‌باشد که نیازمند ایجاد بسترهای سالم تعاملی از طریق معرفی کارکردها و اصول استفاده صحیح از فضای مجازی می‌باشد. «از نگاه یونسکو، سواد رسانه‌ای بر درک کارکرد رسانه‌ها، ارزیابی و تحلیل کارکردها و چگونگی تعامل عقلانی با رسانه‌ها در جهت خودمدیریتی تاکید دارد» [۱۵].

لازم به ذکر است «مدارس از مراکز مهم آموزش سواد رسانه‌ای به شمار می‌روند و سواد رسانه‌ای باید در برنامه‌درسی مدارس جایگاه شایسته‌ای داشته باشد» [۱۶]. برنامه‌درسی برای آموزش سواد رسانه‌ای لازم است [۵]. «برنامه درسی به محتوای رسمی و غیررسمی، فرایند، محتوا، آموزش‌های آشکار و پنهانی اطلاق می‌شود که به وسیله آنها، فراگیر تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را به دست می‌آورد، مهارت‌ها را کسب می‌کند و گرایش‌ها، قدرشناسی‌ها و ارزش‌ها را در خود تغییر می‌دهد» [۱۷]. «سیاست‌گذاران آموزشی باید چارچوبی تدوین کنند که در آن تفکر انتقادی یک هدف محسوب شده و سواد رسانه‌ای چیزی فراتر از یک واکسن در

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

برابر ناملاپمات محیطی شناخته شود» [۱]. «در واقع، بالا بردن سواد رسانه‌ای باید توسط نهادهای آموزشی، مدنی و رسانه‌ها انجام شود تا مصرف رسانه‌ای مردم افزایش یابد» [۱۸]. به بیان دیگر با توجه به تغییر شرایط آموزشی در سراسر جهان، سواد رسانه‌ای به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر برنامه‌درسی مدارس تلقی می‌شود و بایستی بر توجه به آن در دوره‌های مختلف تحصیلی تأکید گردد. «بیانیه یونسکو در زمینه آموزش و پرورش، بر فهم انتقادی محیط رسانه‌ای که ما را فراگرفته، در جهت افزایش اصول شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید می‌کند و در سال‌های اخیر نیز، توجه زیادی به آموزش سواد رسانه‌ای به ویژه در کشورهای اروپایی با تأکید بر رسانه‌های دیجیتال شده است» [۱۹]. «از اینرو، یکی از وظایف آموزش و پرورش در دنیای امروز، در برابر رسانه‌های متکثر موجود، تربیت دانش‌آموزانی است که بتواند در کنار بهره‌مندی آگاهانه و فعالانه از پیام‌های رسانه‌ای، زندگی خود را در برابر چالش‌ها و پیامدهای مخرب آن محافظت نماید؛ تربیتی که می‌توان از طریق تدارک شیوه‌های مختلف آموزش سواد رسانه‌ای آن را محقق کرد» [۲۰].

آموزش و پرورش نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌یافته که به عنوان مهمترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته می‌باشد [۲۱]. نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد ضمن پاسخگویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی، رسالت تربیتی خود را به درستی انجام دهد. یکی از این نیازها، آموزش سواد رسانه‌ای است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز بر آن تأکید شده است. در این سند بر ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای و زمینه‌سازی برای بهره‌برداری مناسب از محیط نوظهور یادگیری تأکید شده است. با توجه به وابستگی مخاطبان به رسانه‌ها و فرآورده‌های رسانه‌ای، داشتن توانایی و قدرت تجزیه و تحلیل، تشخیص، درک و انتخاب پیام رسانه‌ای و همچنین مقاوم‌سازی آنان در برابر نفوذهای ناشی از قدرت رسانه‌ها، ضرورت پیدا می‌کند [۲۲].

در این میان «آموزش سواد رسانه‌ای که به عنوان فرایند تعلیم، آموزش و فراگیری درباره رسانه‌ها از آن یاد می‌شود؛ آموزشی است که برای ارتقاء ظرفیت فرد، برای برقراری ارتباط و استفاده مناسب از رسانه‌ها تأکید دارد» [۲۳]. «در حال حاضر سواد رسانه‌ای به عنوان یک ماده‌درسی در نظام آموزشی بسیاری از کشورها مانند بریتانیا، استرالیا، آفریقای جنوبی، کانادا، آمریکا و ژاپن تدریس می‌شود و همزمان در کشورهای نیوزیلند، ایتالیا، یونان، اتریش، سوئد، دانمارک و سوئیس در حال توسعه است» [۲۴]. «در این موقعیت، چگونگی و نحوه تدوین سایر عناصر برنامه‌درسی تا حد زیادی به نیازسنجی بستگی دارد» [۲۵]. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با مهم خواندن نقش تربیتی رسانه‌ها، بر جایگاه و نقش رسانه، فناوری ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه برای پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب رسانه تأکید نموده است [۲۶]. در دنیای امروز، رسانه‌ها به عنوان دغدغه جدی در نظام آموزشی کشور مطرح است در کشورهای مختلف از طریق آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس تلاش می‌شود توانایی‌های دانش‌آموزان در زمینه سواد رسانه‌ای ارتقاء داده شود و در برخی کشورها نیز، آموزش سواد رسانه‌ای به صورت کتاب درسی تدریس می‌گردد. اما در کشور ما کار عملی خاصی در این خصوص انجام نگردیده است [۱]. در حال حاضر سواد رسانه‌ای در کشور ایران بصورت مقطعی و صرفاً در دوره متوسطه بصورت رسمی آموزش داده می‌شود که نشان از سیاستگذاری ضعیف در خصوص اهمیت و نقش سواد رسانه‌ای می‌باشد.

درگیر کردن معلمان و دانش‌آموزان با تجزیه و تحلیل انتقادی از رسانه و تولید خلاق رسانه برای یادگیری تحول‌گرا درباره رضایت، در داخل و خارج از کلاس مهم است [۲۷]. «در این میان کودکان و نوجوانان که قدرت پردازش و تجزیه و تحلیل درست اطلاعات و اخبار دریافتی در آنان کمتر از بزرگسالان است، بیشتر در معرض خطر هستند؛ چرا که رسانه‌ها می‌توانند آثار زیانباری بر کودکان و نوجوانان بجای گذارند» [۲۸]. در این شرایط کودکان به عنوان یک گروه فعال در لبه خطر سوء مصرف تولیدات رسانه‌ای قرار دارند [۲۹]. «به علاوه تجاربی که انسان در سنین خردسالی از محیط اطراف خود کسب می‌کند، نقش سازنده‌ای در پی‌ریزی

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

جهان بینی او دارد» [۳۰]. لذا بهره‌مندی از سواد رسانه‌ای در مواجهه با تهدیدات رسانه‌ای در دوره ابتدایی تحصیلی، امری بدیهی به نظر می‌آید که نیازمند توجه جدی مسئولان نظام آموزشی کشور است. به بیان دیگر، خلاء آموزش سواد رسانه‌ای یا «تقویت خودمدیریتی کاربر» [۳۱]. به عنوان یک نیاز ضروری و غیرقابل انکار برای نوجوانان ما مطرح می‌باشد [۳۲].

«به همین جهت یادگیری نحوه استفاده از رسانه‌ها، درک و پردازش پیام‌های رسانه‌ای و داشتن نگرشی مسئولانه همراه با قضاوت‌های منطقی در خصوص فناوری رسانه‌ای در دوره ابتدایی، مطلوب عصر حاضر می‌باشد» [۳۳]. «این مطلوب میسر نمی‌شود مگر با پرورش تفکر کودکان در برخورد با رسانه‌های مختلف. بنابراین برای رسیدن به مطلوب سواد رسانه‌ای، بایستی تفکر به عنوان زیرساخت اصلی تقویت شود؛ خصوصاً برای دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی که به جهت ویژگی‌های حساس شناختی، عاطفی و روان-شناختی در کانون توجه رسانه‌ها قرار دارند. زیرا از یکطرف ذهن کودکان (برخلاف بزرگسالان) بطور کامل بر اساس قراردادهای اجتماعی بسته نشده و از طرف دیگر کودکان مخاطبان خاص رسانه‌ای هستند. به عبارت دیگر علت تاکید بر این دوره نقشی است که رسانه‌ها در جامعه‌پذیر کردن کودکان در این دوره تحصیلی دارند» [۳۴]. «دلیل دیگری که می‌توان بر آن اشاره کرد این مهم است که اگر فرصت آموزش سال‌های کودکی را به این بهانه که هنوز برای آغاز آن زود است، از دست بدهیم؛ عادت دانش‌آموزان در سنین بالاتر تثبیت یافته و اصلاح آن امری دشوار خواهد بود. همچنان که تجربه مربوط به آموزش سواد رسانه‌ای در دوره متوسطه در برخی پژوهش‌ها مؤید این موضوع است» [۳۵].

با عنایت به موارد اشاره شده، لزوم توجه به سواد رسانه‌ای بویژه در دوران ابتدایی نظام آموزشی کشور، بیش از پیش اهمیت می‌یابد و از طرف دیگر بر اساس تاکید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که لازم است بر اشاعه و تحقق سواد رسانه‌ای و بسترسازی جهت استفاده مناسب از محیط بدیع یادگیری تدابیری اندیشید؛ این مهم نیازمند بررسی موشکافانه امکان و زمینه‌های آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی است. بنابراین سواد رسانه‌ای در دورانی که رسانه‌ها پیام‌های ضدونقیضی را از خود منتشر می‌کنند و در این میان دانش‌آموزانی که بدون هیچ آموزشی در برابر این پیام‌ها قرار می‌گیرند، اهمیت می‌یابد و به جزء جدایی‌ناپذیر نظام آموزشی با توجه به جایگاه و نقش رسانه‌ها در تاثیرگذاری و تاثیرپذیری از جوامع تبدیل می‌شود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: بررسی جایگاه، اهمیت و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه درسی دوره ابتدایی که این مهم به عنوان یکی از موضوعات مطرح در نظام آموزشی است.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به منابع مطالعاتی این پژوهش، ماهیت موضوع و اهداف آن، از نوع تحقیق کیفی بوده و پژوهشی تحلیلی-استنتاجی است. با توجه به این‌که هدف پژوهش تحلیلی عبارت است از «فهم و بهبود مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که بر حسب آنها تجربه‌ها تفسیر، مقاصد به وضوح بیان، مسائل ساخت‌بندی شده و پژوهش‌ها به اجرا درمی‌آیند» [۳۶]؛ به استنتاج نقش، جایگاه و اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور به منظور ارائه تصویری دقیق از ماهیت و ارتباط مفاهیم فوق در دوره ابتدایی پرداخته شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در جوامع معاصر، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تغییر و تحولات چشمگیری در مسائل اجتماعی و فرهنگی شده‌اند [۸]. دسترسی مداوم به رسانه‌ها به طور ۲۴ ساعته، و نیز این مساله که در رسانه‌های جدید،

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

مخاطبان می‌توانند هم تولید کنند و هم مصرف‌کننده اطلاعات باشند؛ باعث شده تا فراگیری آنها بسیار گسترده و سریع باشد. حال در این بمباران اطلاعاتی، دغدغه آسیب‌رسانی رسانه‌ها و آسیب‌پذیری مخاطبان جوان که بیشترین مصرف‌کنندگان رسانه‌ها هستند؛ همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است [۳۷]. به بیان دیگر با بروز تحولات جدید در عرصه جوامع مسائل و بخش‌های جدیدی ایجاد می‌شود که نیازمند توجه و رسیدگی صاحب‌نظران و مسئولین جوامع می‌باشد.

بر همین اساس، فناوری‌های ارتباط راه دور، اساس فضای مجازی را تشکیل می‌دهند. استفاده بی‌رویه از فضای مجازی و عدم آموزش‌های لازم جهت استفاده بهینه و صحیح از آن موجب مشکلاتی برای استفاده‌کنندگان از آن و بخصوص دانش‌آموزان گردیده است [۳۸]. علاوه بر آن، کاربران دارای مهارت و دانایی بیشتر، هنگام حضور در شبکه‌های اجتماعی و مرور وب‌سایت‌ها و در بازنشر مطالب و محتوا در فضای مجازی دقت و وسواس بیشتری به کار می‌برند [۳۹]. با این اوصاف می‌توان به مهارتی تحت عنوان سواد رسانه‌ای در برخورداری از رسانه‌ها و فضای مجازی با توجه به گسترش روزافزون آنها در جوامع اشاره کرد که می‌تواند پاسخی به رسانه‌های متعدد و پیام‌های آنها باشد.

در واقع **سواد رسانه‌ای** مهارتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد که به انسان کمک می‌کند تا بطور مستقلانه فکر کند و تصویری کافی و همه‌جانبه از رسانه‌ها داشته باشد و به مخاطبان این امکان را بدهد که با آگاهی کامل، پیام‌های رسانه‌ای را پردازش کنند و به دانش موجود در هر رسانه دست پیدا کنند [۴۰]. این سواد با بهره‌گیری از نظرات و رویکردها و بازخوردهای رسانه‌ها درصدد بهره‌وری مناسب و استفاده بجا از پیام‌ها می‌باشد که می‌تواند از طریق گزینشگری و انتخاب درست درصدد استفاده حداکثری از رسانه‌ها برآید. بر اساس گزارش‌های حاصل از یونسکو، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و سازمان بهداشت جهانی^۱ (۲۰۲۰) ویروس کرونا حوزه‌های مختلف از جمله سلامت، آموزش، اقتصاد، تجارت، و فرهنگ را تحت تأثیر قرار داده است. تأثیر این ویروس بر حوزه آموزش به گونه‌ای است که نظام‌های آموزشی را به تکاپو در عرصه‌های چندگانه آموزش، پژوهش و فناوری واداشت تا با استفاده از امکانات خود مسیرهای تازه را برای اجتناب از هر نوع اختلال تدبیر نمایند [۴۱]. این گزارش مؤید این نکته است که با استفاده از فضای مجازی در آموزش، میزان بهره‌گیری از فضای مجازی و زیرساخت‌های آن رو به افزایش است و این مورد نیازمند تامل در جوامع می‌باشد.

به بیان روشن‌تر، مصرف رسانه‌ای کودکان در حال افزایش است و سن استفاده از رسانه به ویژه رسانه‌های نوین در حال کاهش است [۴۲]. و در مقایسه با رسانه‌های قدیم، هم اینک فرصت‌های نسبتاً برابری برای دسترسی به رسانه‌های جدید به عنوان فرستنده، دریافت‌کننده، تماشاگر یا مشارکت‌کننده در فرایند ارتباط وجود دارد [۴۳]. این نکته نشان از رخنه رسانه‌ها و فناوری‌های جدید در زندگی جوامع است که نیازمند توجه اساسی برای جلوگیری از هرگونه آسیب جدی به بدنه جوامع است و این مهم محقق نمی‌شود، مگر با توسعه و ترویج سواد رسانه‌ای و جلوگیری از آسیب‌های محتمل رسانه. به عبارت دیگر، نسل‌های مختلف اجتماعی (کودکان، نوجوانان، جوانان و میانسالان) برای امور مختلف ارتباطی، اطلاعاتی، علمی، تجاری و اداری و نظایر آن، در طول شبانه‌روز ساعات زیادی، به تماشای تلویزیون و تعامل در اینترنت و رسانه‌های اجتماعی می‌پردازند. بر همین اساس می‌توان گفت که کیفیت زندگی و سبک زندگی فردی و اجتماعی زندگی انسانی در عصر حاضر، معطوف به توسعه مهارت‌ها و تقویت توانمندی‌های ویژه آن یعنی سواد رسانه‌ای است [۴۴].

لازم به ذکر است سواد رسانه‌ای نهضتی علیه رسانه‌ها نیست، بلکه عادات رسانه‌ای افراد را تغییر می‌دهد و با هوشیار کردن مخاطبان به آنها می‌آموزد چطور از رسانه‌ها استفاده کنند. شهروندانی که سواد رسانه‌ای دارند، از طریق رسانه میزان آگاهی و توان

^۱. The world Health Organization (WHO)

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

دریافت اطلاعات خود را بالا می‌برند و با همین توان به سمت تقویت روحیه انتقادی بیشتر حرکت می‌کنند و رابطه یکسویه و انفعالی را به جریانی دوسویه و فعال تبدیل می‌کنند [۴۵]. این امر می‌تواند در جهت پیشبرد و پیشرفت جوامع گام مهمی تلقی شود و در جهت ارائه زندگی بهتر در کنار فناوری‌های نوین قدم بردارد. از اینرو می‌توان سواد رسانه‌ای را جزء جدایی‌ناپذیر جوامع در مواجهه با رسانه‌های متعدد و نوین جهانی تلقی نمود و در جهت پیشرفت هرچه بهتر خود از آن به نحوه مطلوبی بهره جست که این مهم نیازمند شناسایی، جایگاه و وضعیت سواد رسانه‌ای در جوامع است.

باید افزود در گذشته سواد را بیشتر توانایی خواندن، نوشتن و حساب کردن می‌دانستند؛ ولی در عصر حاضر با توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات، تولید و توزیع اطلاعات متنوع، ظهور شبکه‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی و چندرسانه‌ای، مفهوم سواد تغییر پیدا کرد و زندگی در جامعه اطلاعاتی به سواد اطلاعاتی یعنی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌ها برای جستجو، ارزیابی و استفاده مؤثر از اطلاعات نیاز دارد. «بسیاری واژه سواد رسانه‌ای را با خواندن رسانه‌های چاپی، رسانه‌هایی همچون فیلم و تلویزیون که در حیطه سواد بصری هستند و معادل سواد کامپیوتری می‌دانند؛ در حالی که سواد رسانه‌ای یک کل است که این عوامل جزء اجزای سازنده آن محسوب می‌شوند» [۴۶]. همچنین در گذشته یونسکو اعلام داشت که از سال ۲۰۰۰، «بی‌سواد به کسی اطلاق می‌شود که توانایی کار با رایانه را نداشته باشد، این پیش‌بینی در کشورهای پیشرفته امروزی کاملاً محسوس است و نیاز به استفاده از کار با تجهیزات رایانه‌ای از ضروریات جوامع پیشرفته است. در حالی که این آموزش در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما جدی گرفته نشده است. امروزه که سال‌ها از سال ۲۰۰۰ می‌گذرد، تعریف دیگری از باسواد فراروی جوامع بشری قرار گرفته است و آن سواد رسانه‌ای است که حتی مهارت استفاده از رایانه دیگر هدف نیست، بلکه باسواد کسی است که بتواند از میزان حجم زیاد اطلاعات موجود، نیاز اطلاعاتی خود را شناسایی و تجزیه و تحلیل کند تا به آنچه نیاز دارد، دست یابد» [۲۲].

بنابراین مراد از سواد رسانه‌ای مجموعه مهارت‌هایی است که کاربران برای استفاده از انواع رسانه‌های چاپی و غیرچاپی نیاز دارند تا بتوانند به اطلاعات دسترسی بهتر داشته باشند، تحلیل جامع‌تری از مفاهیم مستتر در پیام ارائه دهند، ارزیابی بدون پیش-فرضی نسبت به محتوا انجام دهند و در نهایت شیوه مناسب تعامل با آن را آگاهانه انتخاب نمایند [۴۴]. جیمز پاتر^۱ استاد دانشگاه کالیفرنیا، سواد رسانه‌ای را اینطور تعریف می‌کند: «سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازها است که ما بطور فعالانه‌ای برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آنها بهره‌برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی را که با آنها مواجه می‌شویم تفسیر کنیم» [۴۷]. سواد خواندن، سواد بصری و سواد رسانه‌ای، مترادف‌های سواد رسانه‌ای نیستند؛ بلکه اجزای سواد رسانه‌ای به حساب می‌آیند. سواد رسانه‌ای شامل این توانایی‌های تخصصی و نیز موارد دیگر است. اگر ندانیم چطور بخوانیم، در واقع نمی‌توانیم به رسانه چاپی و مکتوب مراجعه کنیم. اگر از نظر درک بصری مشکل داشته باشیم، تماشای فیلم و تلویزیون به کارمان نمی‌آید و اگر نتوانیم از رایانه استفاده کنیم، از همه تحولات که در مهمترین رسانه یعنی اینترنت رخ می‌دهد، بی‌خبر و محروم خواهیم ماند. سواد رسانه‌ای چیزی فراتر از توانایی‌های ویژه و مقوله‌ای علم‌تر است که چنین تعریف می‌شود: «سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از نگرش‌ها و چشم‌اندازها است که مورد استفاده فعال و پویای ما در برابر رسانه‌ها قرار می‌گیرد تا بتوانیم معانی پیام‌های رسانه‌ای را تفسیر کنیم. نگرش‌های ما بر اساس ساختارهای دانشی‌مان ساخته می‌شود» [۴۸]. همچنین کمیسیون اروپا تعریفی از سواد رسانه‌ای ارائه کرده که اعضای گروه متخصصان سواد رسانه‌ای اتحادیه اروپایی آن را اعتبارسنجی و تأیید کرده‌اند: سواد رسانه‌ای یعنی «توانایی دسترسی، استفاده، تجزیه و تحلیل و ارزیابی قدرت تصاویر، صداها و پیام‌هایی که در جهان کنونی بصورت روزانه با آنها مواجه می‌شویم و بخش انکارناپذیری از فرهنگ معاصر ما را تشکیل می‌دهند؛ همچنین توانایی ایجاد ارتباط مؤثر با رسانه‌هایی که افراد به آنها دسترسی دارند». سواد

۱. Potter, W. James

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

رسانه‌ای به همگی رسانه‌ها از جمله تلویزیون، فیلم، رادیو، موسیقی، رسانه‌های چاپی، اینترنت و دیگر فناوری‌های ارتباطی دیجیتالی نوین مرتبط می‌شود. هدف از سواد رسانه‌ای ارتقای آگاهی از گونه‌های فراوان پیام‌های رسانه‌ای است که در زندگی روزانه با آنها مواجه هستیم [۴۹]. مواجهه فعال با انواع پیام‌های رسانه‌ای نیازمند دانشی به نام سواد رسانه‌ای است، تا بتوان با دیدی وسیع به رسانه‌ها و نوع پیامی که برای ما تدارک دیده‌اند، نظر کرده و از آنها استفاده نمود. این دانش از طریق مجاری مختلفی می‌تواند به فراگیر انتقال پیدا کند و راه را برای استفاده مناسب از رسانه‌ها و پیام‌های ضد و نقیض آنها هموار کند.

در ادامه بحث **آموزش سواد رسانه‌ای** ضرورت پیدا می‌کند. در تعریف سازمان یونسکو از حق بر آموزش، از آموزش به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر نام برده شده که تأمین سایر حقوق بشری در گرو تضمین این حق است. بنا به نظر سازمان یونسکو آموزش ابزاری قدرتمند است که در ترغیب افراد جامعه چه بزرگسال، چه کودکان به عنوان شهروندان موفق می‌تواند بکار گرفته شود [۵۰]. هرچند که تمام ایدئولوژی‌های رسانه‌ای، منفی نیستند و رسانه‌ها ایدئولوژی‌های مثبت هم دارند؛ اما افرادی که سواد رسانه‌ای کمی دارند، باید پیام‌های رسانه‌ای را همان‌گونه که رسانه‌ها ارائه می‌کنند، بپذیرند. همچنین سواد رسانه‌ای به عنوان یک مهارت اجتماعی که می‌تواند همراه با تفکر انتقادی و استدلالی، مخاطبان را به صورت فعال و پویا با پیام‌ها و تولیدات رسانه‌ای آشنا کند، در مطالعات رسانه‌ای می‌تواند مورد تأمل قرار گیرد و اساساً هدف اصلی آن، این است که شهروندان جامعه را برای بهره‌برداری مفید و سودمندانه از مسائل زندگی و حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آماده کند. دستیابی به این مهارت باعث تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی نزد مخاطبان و افکار جمعی می‌گردد؛ چرا که امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهمتری از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها با یکدیگر، سازمان‌ها و انسان‌ها، و سازمان‌ها با سازمان‌های دیگر می‌باشد [۵۱].

ضرورت ترویج آموزش سواد رسانه‌ای در ایران با وجود پذیرش بی‌قید و شرط نرم‌افزارها و تکنولوژی‌های تازه و روزآمد جهانی، کاملاً وجود دارد. متأسفانه جامعه ایرانی در جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و فناوری نه تنها حساس نشده، بلکه به فناوری اطلاعاتی تحریک نیز نشده است. چه بسا در بسیاری از موارد، به سکون ذهنی مبتلا شده‌ایم. بدین منظور همانگونه که در اظهارنظر کارشناسان و خبرگان تکنولوژی آموزشی کشورمان دیده می‌شود؛ این تحریک جمعی برای تفکر، خلاقیت، کارآفرینی و نوآوری نیازمند اقدامی بزرگ و ملی است تا عقب‌ماندگی‌های حاصل از نگاه سنتی در مقوله مهم آموزش کشور را جبران نماید [۲۲]. بر همین اساس آموزش سواد رسانه‌ای عبارت است از شناخت اطلاعاتی و انتقاد از رسانه، تکنیک‌ها و تأثیرات آن [۴۴]. سواد رسانه‌ای به عنوان یک استراتژی، پس از آنکه به عنوان یک ضرورت جهت ترویج در کشور به منظور بهره‌مندی مفید و مؤثر از رسانه‌ها و کاهش عوارض مخرب آن شناخته شد و پشتوانه یک اجماع علمی را کسب نمود؛ می‌بایست در کشور اجرائی گردد. بر همین اساس می‌بایست نسبت به عملیاتی کردن آن اقدام کرد. برخی از دولت‌ها در دنیا این موضوع را در مباحث مختلف خود گنجانده و این مهم را پذیرفته‌اند که مردم و شهروندان نیاز دارند نسبت به رسانه‌ها یکسری اطلاعات کسب کرده و سواد و آگاهی لازم را برای استفاده از آنها کسب و سپس به آنها رجوع کنند [۵۱]. دولت‌ها باید در سطحی وسیع و همه‌گیر سوادآموزی نو و پیشرفته‌تری را در پیش بگیرند. یک نهضت سوادآموزی جدید، حق شهروندان امروز است. دلیل آن واضح است. رسانه‌ها همه‌گیر شده‌اند و زندگی افراد در دستان رسانه است. به طور کلی راه هرگونه ارتباط رسانه‌ای، برخورداری از سواد رسانه‌ای متناسب با آن است. لذا علاوه بر آموزش کودکان در مهدها و نوجوانان در مدارس، طراحی واحدهای درسی و رشته‌های آکادمیک مرتبط در دانشگاه‌ها و مراکز عالی، نیاز به تأسیس مراکز آموزش سواد رسانه‌ای نوپدید برای عموم شهروندان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد [۵۰].

حضور فراگیر رسانه‌ها در تمام عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی ما موجب شده تا «آموزش سواد رسانه‌ای» به عنوان «رویکرد آموزش نوین در قرن ۲۱» مطرح شود [۵۲]. در همین راستا مخاطبان بایستی با تکنولوژی‌های نوین به خوبی آشنا و به سواد

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

متناسب با آن مجهز شده باشند. آموزش این سواد باید سطح بندی شده و بر اساس آن برنامه ریزی شود و در نهایت مخاطبانی فعال و هوشمند، تحلیل گر و منتقد تحویل جامعه داده شود. چنین مخاطبانی دانش آموختگان سواد رسانه های فناورانه شده اند و به خوبی در مواجهه با رسانه، قدرت ارزیابی پیام را از لحاظ شکل، محتوا و زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی پیدا کرده و تمیز دهنده سره از ناسره خواهند بود. به علاوه با وجود آسیب ها و مضرات بسیار متنوع رسانه های نوپدید در کنار فرصت ها و فواید بی نظیر آنها می توان به اهمیت پرداختن به این حق و آموزش سواد مرتبط با آنها بیشتر پی برد [۵۰].

امروزه جامعه شناسان و روان شناسان نیز اهمیت زیادی برای سواد رسانه ای و آموزش آن قائلند. برخی معتقدند، آموزش سواد رسانه ای می تواند بسیاری از مشکلات، از جمله مشکلات خشونت در تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی را به میزان زیادی حل کند [۴۲]. امکانات و چالش های مرتبط با فناوری و رسانه های امروزی، مطالبات جدیدی را برای آموزش ایجاد می کند [۵۳]. بنابراین آموزش سواد رسانه ای در جامعه آمیزه ای از فنون و فن های بهره برداری موثر از تولیدات رسانه ای و نوعی کسب بینش و نگرش برای تشخیص این است که، در عصر رقابت رسانه ای امروزه کدام یک از این وسایل ارتباط جمعی می توانند اطلاعات سودمند و ضروری را برای افکار عمومی آماده کند [۵۴].

از آنجا که رسانه های عمومی نقشی مهم در شکل گیری و تغییر نگرش و اندیشه و رفتار مخاطبان دارند و ممکن است حقوق انسانی آنها را مخدوش کنند؛ لذا آموزش سواد رسانه ای به منظور شناخت روش ها و عملکردهای رسانه ها و چگونگی اطلاع رسانی درست یا نادرست آنها و قضاوت عینی در قبال رسانه ها ضرورت می یابد. در چنین وضعیتی است که نظام آموزشی کشور ما نیز باید درباره نگرش نوجوانان و جوانان ایران به پدیده جهانی شدن رسانه ها و تأثیری که این نگرش بر نظام ارزشی و هویت آنان به جا می گذارد، حساسیت کافی نشان دهد و نوجوانان و جوانان را برای پاسخگویی مناسب به این چالش عظیم جهانی آماده سازد [۵۵].

بنابراین **آموزش سواد رسانه ای در مدارس**، بحثی است که لازم است مورد توجه جدی سیاستگذاران و مجریان نظام آموزشی قرار گیرد. رسانه های جهانی و قرار گرفتن انسان در انبوه اطلاعات، باعث شده اند تصویری که از معلم، دانش آموز و کلاس های درس سنتی داشته ایم؛ تغییر کند. دیگر یک فضای بسته با یک تخته که تعدادی دانش آموز به همراه با معلم در یک زمان و مکان واحد حضور دارند، کلاس درس و فضای آموزش قلمداد نمی شود. چرا که هر محیطی می تواند به محیط یادگیری و کلاس درس تبدیل شود. کلاس درس می تواند مکانی مجازی باشد که در آن یادگیری صورت می گیرد. تخته کلاس، کتاب درسی، دستگاه ها و وسایل آزمایشگاه و رایانه، دیتا پروژکتور و نهایتاً تابلوی هوشمند، تنها رسانه های معلم در فرآیند یادگیری نیستند؛ بلکه تمامی رسانه های مبتنی بر فاوا نیز به این خیل پیوسته اند (حتی تلفنی که دانش آموز همراه دارد). معلم از طریق این رسانه ها می تواند در فضایی بجز کلاس درس واقعی و در زمان هایی بجز زمان های مقرر کلاسی بصورت همزمان و غیرهمزمان با دانش آموزان در تعامل باشد. اینجاست که کسب شایستگی های سواد رسانه ای و سواد اطلاعاتی هم از سوی یاددهنده و هم از سوی یادگیرنده مقوله ای بسیار مهم قلمداد می گردد، یعنی جایی که رسانه در عین اینکه می تواند به عنوان ابزار توانمند در فرآیند یادگیری قرار گیرد، می تواند به عنوان ابزاری مخل یادگیری نیز تبدیل گردد. در این حالت یادگیرنده در فرآیند یادگیری بجای یافتن اطلاعات مفید و سازماندهی شده قابل استفاده، به انبوهی از اطلاعات غیرمفید و نظم نیافته دست می یابد [۶]. به عبارت دیگر، اینک رسانه ها، شکل تازه ای به زندگی ما داده اند. نوجوانان و دانش آموزان، از کاربران رسانه های نوین هستند و برای استفاده مطلوب و خردمندانه از آنها، نیاز به سواد رسانه ای دارند [۵].

از آنجایی که در هر کشوری نظام آموزش و پرورش متولی اصلی امر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است، این قاعده در کشور ما نیز مستثنی نیست؛ خصوصاً زمانی که بخش عمده ای از جمعیت کشورمان را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند، کار نظام آموزش و پرورش سخت تر خواهد بود. به همین منظور این نهاد باید ضمن پرورش علمی دانش آموزان، با برنامه ریزی دقیق، آموزش

هفتین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوان را مورد توجه قرار دهد [۴۲]. به عبارتی، نظام آموزش و پرورش باید با استفاده از روشهای نوین آموزشی، تکنولوژی‌های آموزشی، استفاده شبکه‌های اجتماعی، تشکیل کارگاه‌های آموزشی، شرکت دادن دانش‌آموزان در بحث و تبادل نظر در زمینه نقد رسانه و دیگر عوامل شناسایی شده، ماهیت رسانه و لزوم یادگیری سواد رسانه‌ای را به دانش‌آموزان القا کند [۴۹]. اینجاست که، شروع فرایند آموزش، بدون ایجاد زمینه‌ای برای توانمندسازی اندیشه درباره درستی یا نادرستی شکل و ماهیت آموزش و نیز بی‌توجهی به لزوم آموزش عقلانی و سیستماتیک‌مدار می‌تواند خود به نتیجه‌ای بس ناگوار ختم گردد. مراد از آموزش، وسیله‌ای برای بیان اهداف حقوق بشر نیست؛ بلکه خود، هدف است. آموزش روندی است که طی آن شخص می‌آموزد تا حقوق خود را بطور کامل شناسایی نماید و موانع بین آنها را از سر بردارد. در این رهگذر وظایفی برای دولت، نهادهای اجتماعی و جامعه بین-المللی پیش‌بینی شده که اجرای آنها ضامن نیل به این مهم (آموزش) می‌باشد. تحقق صلح، دموکراسی و توسعه بدون ارج نهادن به آموزش میسر نیست. بدیهی است که ابتدایی‌ترین نوع آموزش توانمند ساختن افراد برای خواندن و نوشتن و در نتیجه آگاهی یافتن از حقوق والای انسانی است. آموزش و پرورش نه تنها یکی از پایه‌های دولت‌های کنونی است، بلکه همچنین بنیانی اساسی در جهت استقرار دوام و ثبات دولت‌ها به شمار می‌رود [۵۶]. آنجا که نظام آموزشی باید با شناخت نیازهای آموزشی، خود را با نیازهای جدید تطبیق دهد، رفتن به سوی آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای از اولویت دنیای کنونی است. آموزش و پرورش می‌تواند با سرمایه انسانی و امکانات فیزیکی‌ای که در اختیار دارد، به فراگیر شدن آموزش‌های سواد رسانه‌ای و جبران عقب‌ماندگی در این زمینه کمک کند. حال که سواد رسانه‌ای به تدریج در حال ورود به برنامه‌های درسی مدارس در کشورهای مختلف است، در ایران اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است [۴۹].

به بیان دیگر، آموزش و پرورش نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌یافته که به عنوان مهمترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد [۲۱]. همچنین، نظام آموزش و پرورش نقش اساسی در توسعه سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان ایفا می‌کند. شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس یکی از موضوعات مهم و بین‌رشته‌ای است که می‌تواند در برطرف نمودن خلاءهای تربیتی، فرهنگی و پژوهشی در این حوزه مفید باشد [۵۷]. در این خصوص، سواد رسانه‌ای از طرق مختلف و در مکان‌های گوناگون می‌تواند ارتقاء یابد. یکی از این طرق ارتقاء سواد رسانه‌ای از طریق مدارس است. در واقع مدارس نقش بنیادین و ضروری در ارتقاء سواد رسانه‌ای دارند [۵۸].

بنابراین یکی از بحث‌های مهم در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای، توسعه آن در نظام آموزشی است. در ایران از ورود مفهوم «سواد رسانه‌ای» به ادبیات علمی و دانشگاهی کمتر از ۲۰ سال می‌گذرد. در برهه گذشته (۱۳۸۴ تاکنون) پیرامون سواد رسانه‌ای ادبیات علمی، مقالات و کتاب‌ها و همایش‌ها و سمینارهای مختلفی برگزار شده است؛ اما در آنها کمتر به آموزش سواد رسانه‌ای پرداخته شده است. همین نگاه حاشیه‌ای به آموزش سواد رسانه‌ای موجب شده تا نظام آموزش رسمی در ایران نیز تا اواخر سال ۱۳۹۴ به طور جدی به این موضوع نپردازد [۴۴]. به همین جهت، مسئله و واقعیت اساسی در این زمینه توجه به این نکته مهم است که علیرغم اهمیت مضاعف توجه به آموزش‌های مربوط به سواد رسانه‌ای در نظام‌های آموزشی در دنیا و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیمی که دولت‌ها برای برقراری دوره‌های آموزشی به شهروندان ارائه دهند تا نحوه مواجهه با رسانه‌ها را فراگیرند، ولی متأسفانه بنابر بررسی‌های صورت گرفته، در مدارس کشور ما تاکنون توجه درخور و شایسته‌ای نسبت به چنین آموزش‌هایی نشده است و جای خالی موضوع سواد رسانه‌ای در دروس آموزش مدرسه‌ای کشورمان بخصوص در دوره ابتدایی بیشتر لمس می‌شود و مشخص نیست چه زمانی آموزش سواد رسانه‌ای بخصوص برای کودکان و نوجوانان در سطح گسترده و عمومی آغاز می‌شود [۶]. در واقع در کشورمان، تنها به ارائه کتابی با عنوان تفکر و سواد رسانه‌ای در پایه دهم اکتفاء شده است. در حالیکه برخی از کشورها عملکرد بهتری را در این

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

زمینه داشته‌اند و با سرعت تغییرات دنیای امروز همگام‌تر شدند. مطالعه عملکرد این کشورها، تجربه‌ها و دانش بیشتری در اختیار برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران کشورمان می‌گذارد تا با دیدی جامع‌تر به ارتقاء سواد رسانه‌ای بپردازند [۵۸]. در این مورد، لازم است نظام آموزشی جهت ایجاد هوشمندی در کاربران خود در مواجهه با رسانه برنامه‌ریزی‌های جامعی به عمل آورد تا بتواند از تهدیدهای رسانه بکاهد و تهدیدها را به فرصت تبدیل کند [۵۹].

به نظر می‌رسد مسائل مطرح، ریشه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین چالش در این حوزه -که ذیل روش سیاستگذاری آموزش و پرورش قرار می‌گیرد و باعث دامن زدن بیشتر به مشکلات پیچیده فعلی گردیده است، «عدم وجود متولی برای آموزش سواد رسانه‌ای» می‌باشد. چرا که در صورت نبود مرجع واحد برای تصمیم‌گیری مستقل که بر توسعه آموزش سواد رسانه‌ای (اعم از سیاستگذاری و اجرای آن) نظارت داشته باشد، ضریب تأثیر سایر موانع چند برابر خواهد شد [۴۴]. در امر آموزش سواد رسانه‌ای، نه دولت نه صنعت رسانه و نه هیچ مدرسه و انجمنی به تنهایی نمی‌توانند به رشد و توسعه سواد رسانه‌ای کمک کنند. اگر هر یک از این سازمان‌ها به‌طور مجرد، مستقل و جزیره‌ای بخواهند به کار خود ادامه دهند، حل کردن ابهام در مفاهیم مربوط به سواد رسانه‌ای، امکانپذیر نخواهد بود. بنابراین آموزش سواد رسانه‌ای نیازمند همکاری همه‌جانبه و نظام‌مند دولت، مدارس، صنایع رسانه‌ای و مؤسسات مردم‌نهاد است [۶۰]. در این خصوص، می‌توان سه سطح متولی‌گری را برای سواد رسانه‌ای در نظر گرفت: دولت، نهادهای مدنی و کنش‌گری فردی. در سطح دولت، ورود رسانه‌ای به آموزش و پرورش رسمی مد نظر است. اگر هدف، فراگیر شدن سواد رسانه‌ای باشد، قطعاً نیاز به زیرساخت‌ها و امکانات وسیع است. دولت باید ضمن توجه به تئوری‌های نوین آموزشی و متدولوژی صحیح، بستر کافی را برای آموزش سواد رسانه‌ای فراهم کند. در سطح نهادهای مدنی، شبکه‌ها و شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد به سطح سواد رسانه‌ای مبادرت ورزند. در سطح کنشگری فردی نیز سازوکارهایی است که برای مثال والدین به فرزندان خود در رویارویی با رسانه‌ها بکار می‌برند [۴۹]. در واقع، بالابردن سواد رسانه‌ای باید توسط نهادهای آموزشی، مدنی و رسانه‌ها انجام شود تا معرفت رسانه‌ای مردم افزایش یابد [۱۸]. در این بین نهادهای اجتماعی - آموزشی همچون آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به عنوان متولیان امر آموزش و تربیت انسان نقش عمده‌ای بر عهده دارند. نهاد آموزش و پرورش به عنوان اولین نهاد آموزشی که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه با آن آشنا می‌شود، نقش اصلی را بر عهده دارد. در این نهاد می‌توان با گنجاندن واحدهای درسی در دوره‌های تحصیلی زمینه را برای طرح موضوع سواد رسانه‌ای ایجاد کرد [۵۱]. آموزش و پرورش رسمی‌ترین سازمان آموزشی کشور و معلمین رکن اساسی این سازمان هستند. با رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و دخالت نهادهای گوناگون در امر آموزش، عملاً انحصار آموزشی این سازمان بویژه در حوزه فناوری‌های نوین شکسته شده است [۶۱].

به نظر می‌رسد، چالش اصلی نظام آموزشی کشور در برخورد با آموزش سواد رسانه‌ای، نبود واحدهای درسی مشخص و رسمی برای این نوع از آموزش می‌باشد. لذا باید آموزش سواد رسانه‌ای به‌صورت رسمی در مقاطع ابتدایی به صورت تعریف واحد درسی یا تلفیق آن در واحدهای درسی دیگر وارد نظام آموزشی کشور شود. عدم تعریف واحد درسی به عنوان سواد رسانه در دوره ابتدایی، خود یکی از چالش‌های این بخش می‌باشد؛ چرا که ارائه آموزش در صورتی انجام‌پذیر است که ابتدا واحد درسی به نام سواد رسانه‌ای تعریف شود. با به رسمیت شناخته شدن آموزش سواد رسانه‌ای، متعاقب آن کتاب با محتوای لازم طراحی شده، لوازم مورد نظر گردآوری شده و در کیفیت آموزش ارتقا می‌یابد. در همین خصوص، برای رسیدن به برنامه درسی سواد رسانه‌ای، به نیازسنجی برنامه درسی نیاز است. اما تعریف واحدی از برنامه درسی در میان صاحب‌نظران این علم وجود ندارد و هر کس بنا بر تفکرات خود تعریفی از برنامه‌ریزی درسی ارائه داده است. اما بطور کلی، در برنامه‌ریزی درسی باید به محتوای رسمی و غیررسمی، فرآیند، محتوا و آموزش-های آشکار و پنهان توجه کرد [۴۹]. در این خصوص نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد با پاسخگویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی، رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند [۱۴]. به عبارت دیگر، نهاد آموزش و پرورش به عنوان اولین نهاد آموزشی که فرد

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

به عنوان عضوی از جامعه با آن آشنا می‌شود، نقش اصلی را بر عهده دارد. در این نهاد می‌توان با گنجاندن واحدهای درسی در دوره‌های تحصیلی زمینه را برای طرح موضوع سواد رسانه‌ای ایجاد کرد [۵۱].

در این خصوص، سارا سالوما^۱ بیان می‌کند؛ برنامه‌درسی ملی یا محلی که شامل سواد رسانه‌ای است، یک فاکتور کلیدی در بکارگیری سواد رسانه‌ای در مدرسه است. همچنین، جون لوری^۲ بیان می‌کند در یک جامعه که در آن تکنولوژی و دنیای آنلاین نقش بزرگی در زندگی مردم بازی می‌کنند، معلوم می‌شود که مدارس نیز باید با تغییرات آخرین روند آنلاین به سرعت حرکت کنند و فرصت‌ها و چالش‌های موجود را در این زمینه دریابند. در خصوص دسترسی به رسانه در مدارس پائولو کارینی^۳ اینگونه اظهار می‌دارد که برای ارتقاء سواد رسانه‌ای در مدارس نیاز به دسترسی و استفاده از رسانه است. این دسترسی به دو صورت در مدارس اتفاق می‌افتد: یکی از طریق اینترنت، و یکی از طریق زیرساخت‌ها. بنابراین، لازم است در این زمینه دسترسی به رادیو، تلویزیون و رسانه‌های صوتی و تصویری را برای دانش‌آموزان امکانپذیر کنیم [۵۸].

با توجه به نکته و گسترش سریع رسانه‌های اجتماعی (بویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی) در سال‌های اخیر، باید در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه، به ارتقاء سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان توجه جدی‌تری شود. ضروری است که در برنامه درسی، آسیب‌های استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی مجازی و بازی‌های رایانه‌ای برای دانش‌آموزان تبیین شود. همچنین چگونگی استفاده استکبار جهانی از رسانه‌های مختلف (بویژه شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی) برای تضعیف هویت دینی و انقلابی نوجوانان و جوانان در کتاب‌های درسی تبیین شود تا دانش‌آموزان در مقابل بمباران تبلیغاتی استکبار جهانی ایمن‌سازی شوند [۳۷]. از آنجا که دانش‌آموزان بهترین فرصت را در مدارس برای یادگیری علم در کنار همسالان خود دارند، به همین دلیل، آموزش سواد رسانه‌ای توسط نظام آموزش و پرورش برای این گروه به‌ویژه دوره‌های ابتدایی تأثیر ویژه‌ای از نظر اثربخشی و نهادینه‌شدن در جامعه ایفا می‌کند [۴۹]. بر همین اساس مزایای آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس؛

- استفاده‌کنندگانی متفکر در برخورد با رسانه‌ها بیروارند.
- دانش‌آموزان مدیریت اطلاعات داشته باشند و تسلیم ابزارهای رسانه‌ای قدرتمند رسانه‌ای جهانی نشوند
- دانش‌آموزان را درگیر می‌کند تا دنیای واقعی را به کلاس درس بیاورند.
- هم به دانش‌آموزان، هم به معلمان رویکرد مشابهی نسبت به تفکر انتقادی می‌دهد.
- توانایی و مهارت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد که بتوانند ارتباط برقرار کنند و عقاید و افکار خود را در سطح گسترده مطرح کنند.

- معلم را آزاد می‌گذارد که همراه با دانش‌آموزان مطلب یاد بگیرد و نقش راهنما از بیرون را داشته باشد
 - دانش‌آموزان با فراگیری دانش محتوایی این توانایی را کسب می‌کنند که هر پیام را در هر رسانه‌ای تحلیل کنند [۶۲].
- آلوی تافلر^۴ با اشاره به این که نهادهای آموزش و پرورش به شدت تحت تأثیر رویکردهای جهانی قرار دارند، معتقد است که با توجه به اهداف مهم مدرسه، که آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی و جامعه است، انتظار این است که آموزش و پرورش با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب، همسو و هم‌جهت باشد. او در ادامه نتیجه می‌گیرد که اگر آموزش و پرورش با رویکردهای جهانی همسو نباشد، منسوخ خواهد شد و آموزش‌های غیررسمی و فراملی جای آن را خواهد گرفت [۶۳]. در همین راستا، آموزش و پرورش مسئول آموزش موج جدید معلمان، نه تنها با جدیدترین فناوری؛ بلکه مهمتر از همه، با

^۱. Saara Salomaa, Media literacy Senior Adviser and Team Leader at National Audiovisual Institute.

^۲. June.Lowery-Kingston, Head of unit accessibility multilingualism and Safer Internet European Commission.

^۳. Paolo Cesarini, media expert.

^۴. Alvin Toffler

هفتین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

تئوری انتقادی سواد رسانه‌ای و آموزش به روز می‌باشند. این آمادگی برای کمک به معلمان و دانش‌آموزان در تفکر و عملکرد انتقادی، فناوری ارتباطات اطلاعاتی، رسانه‌ها و فرهنگ عامه ضروری است [۶۴]. بنابراین می‌توان عنوان کرد که در نظام آموزشی، برنامه درسی از اهمیت والایی برخوردار است. از طرفی از مهمترین عناصر و عواملی که به ساخت و بهره‌گیری از برنامه درسی مناسب به منظور تربیت و پرورش افراد شایسته کمک می‌کنند، می‌توان از معلمان نام برد [۶۵].

همچنین آموزش سواد رسانه‌ای در مدرسه نیز مانند سایر فرایندهای یاددهی-یادگیری در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که بر اساس اصولی مشخص طراحی، اجرا و ارزشیابی شود. بنابراین در آموزش سواد رسانه‌ای، مواردی از جمله اهداف، محتوا، روش‌های اجرا، سازوکارهای تدریس و ارزشیابی باید متوجه زوایای خاصی باشند و به نحوی سازمان‌دهی گردند که پیامدهای مدنظر را برای دانش‌آموزان به دنبال داشته باشند [۶۶]. به نظر می‌رسد که سواد رسانه‌ای به عنوان نیازی فوری برای جامعه، همانند بسیاری از مفاهیم و تعاریف نو، در ایران به مسیری دیگر می‌رود و هنوز اجماع کاملی از سوی صاحب‌نظران و متولیان فرهنگی آموزشی برای بومی و نهادینه‌سازی آموزش این دانش در سطح مدرسه و دانشگاه‌ها صورت پذیرفته است. سواد رسانه‌ای از نیازهای دنیای جدید است و اگر خواسته شود که فرزندان از آسیب‌های به شدت رسانه‌ای شده، در امان باشند؛ باید این مسیر را شناخت و با رویکردی بومی طی کرد [۶۷]. به عبارت دیگر، اجرایی شدن این سیاست‌ها، نیازمند باور و اعتماد مدیران به رسانه، زمان، بودجه و امکانات است که انتظار می‌رود سیاست‌گذاران گام‌هایی که در زمینه سیاست‌گذاری‌های سواد رسانه‌ای در دوران کرونا از طریق استقرار آموزش‌های مجازی برداشته شده‌اند را ادامه دهند تا سیاست‌گذاری‌های طراحی‌شده بتواند کارکرد خود را در اجرا به منصفه ظهور برساند [۵۹].

نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز جهت واکنش بهینه در برابر این بحران یعنی ایستادگی در برابر تعطیلی مدارس به استفاده از بسترهای جدید متصل شد تا اعلام نماید که آموزش تعطیل نیست. از جمله این ابزارها، رو آوردن به آموزش مجازی بود. از اینرو با تعطیلی مدارس، وزارت آموزش و پرورش جهت ادامه و تسهیل فرایند یاددهی و یادگیری در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا با تدبیر و چاره‌اندیشی به موقع شبکه آموزشی شاد را راه‌اندازی کرد. شاد از اپلیکیشن‌های تعاملی است که توسط تیم فنی همراه اول برای وزارت آموزش و پرورش پیاده‌سازی شده است [۶۸]. به نظر می‌رسد اجرای سیاست‌های رسانه‌ای در نظام آموزشی تا زمان کرونا (۱۳۹۹) آنچنان که باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار نگرفته بوده است. بطوریکه حتی استفاده از تلفن هوشمند در مدارس توصیه نمی‌شد. علاوه بر این طرح شبکه شاد که در سال ۱۳۹۴ مطرح شد؛ اما در سال ۱۳۹۹ به دلیل شیوع کرونا اجرایی شد. استفاده از فناوری‌های بومی در دو سطح سخت‌افزار و نرم‌افزار در شبکه آموزشی شاد گامی در راستای سیاست‌گذاری استفاده از فناوری‌های بومی است (صمدی، ۱۴۰۰). در این خصوص، از اول اردیبهشت ۱۳۹۹ بطور رسمی آموزش به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از طریق شاد آغاز شد. اکنون امکان تحصیل دوره ابتدایی و متوسطه اول و دوم و دانشگاه‌ها و دانش‌نویان و پیش‌دبستانی‌ها فراهم شده است [۲۶]. البته به دلیل اینکه قبل از دوران کرونا برخورد نظام آموزشی با آموزش مجازی بیشتر سلبی بود تا ایجابی، به نظر می‌رسد که برخورد هوشمندانه با رسانه، به برنامه‌ریزی و در ادامه به آموزش نیازمند است [۵۹].

در این خصوص نگاه کارشناسان به رسانه از ابتدا و از دوره‌ای که اولین رسانه مدرن وارد جامعه شد، عموماً نگاهی محتوامحور و کارکردگرا بوده، نگاهی بوده که اصالت را بیشتر به محتوای رسانه می‌دهد تا جامعه یا خود رسانه به عنوان فناوری در این نگاه جامعه و فناوری ارتباطی در مقابل محتوای رسانه نقشی فرعی دارند. در دیدگاه محتوامحور سیاست‌گذاران ما مخاطب به شدت منفعل و پذیراست و هیچگونه نقش مستقلی ندارد، آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند این رویکرد و سیاست را اصلاح کند و موجب شود تا نتایج واقع‌بینانه‌ای بدست آوریم [۲۲].

هفتین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

در خصوص لزوم ایجاد برنامه درسی سواد رسانه‌ای، الکساندر ریدل^۱ بیان می‌کند که؛ «وجود برنامه‌درسی معتبر برای ایجاد منابعی که به عناصر تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای بپردازد از جمله عواملی هستند که باعث ارتقاء سواد رسانه‌ای در مدارس اتحادیه اروپا می‌شوند» [۵۸]. بنابراین در برنامه‌ریزی درسی باید به محتوای رسمی و غیررسمی، فرآیند، محتوا و آموزش‌های آشکار و پنهان توجه کرد [۴۹]. از اینرو نظام آموزش و پرورش کشور نیز باید مطابق مقتضیات این عصر تغییر کند و با استفاده از فناوری اطلاعات، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان و خانواده‌ها فعالیت‌های خود را بر اساس شیوه‌های یادگیری و مطابق با عملکردهای مغز، طراحی کنند و به سوی فناوری یادگیری و بهره‌گیری از شیوه‌های جدید آموزشی که همه مبتنی بر اصول و نظریات یادگیری شناختی فراشناختی و ساخت‌گرایی است، به سرعت گام بردارند. در این بین کودکان و نوجوانان ضمن آشنایی با نحوه استفاده از رسانه‌ها، نحوه تفکر انتقادی و مواجهه فعال با پدیده انفجار اطلاعات که روز به روز تشدید می‌شود و مهارت تفکر انتقادی را می‌آموزند و از یک مصرف‌کننده صرف و منفعل، به مخاطبی فعال و گزینشگر تبدیل می‌شوند؛ چیزی که در دنیای رسانه‌ای شده امروز لازمه موفقیت و به ثمر نشستن هر نظام تربیتی است [۴۲].

در این باره، سه موضوع کلیدی در سواد رسانه‌ای وجود دارد: اول، سواد رسانه‌ای باید بر همه اشکال رسانه‌ها تمرکز کند. دوم، سواد رسانه‌ای را باید هم به عنوان مهارت و هم به عنوان دانش دید. مهارت‌های تفکر انتقادی در تعاریف مختلف سواد رسانه‌ای بسیار مهم و مورد تاکید است. علاوه بر مهارت‌ها، دانش درباره تأثیرات رسانه‌ها، نحوه عملکرد رسانه‌ها و اینکه چگونه رسانه‌ها می‌توانند بر مردم تأثیر بگذارند، از عناصر حیاتی سواد رسانه‌ای هستند. سوم، سواد رسانه‌ای باید زندگی مردم را بهبود بخشد، کنترل بیشتری بر رسانه‌ها و چگونگی تأثیر رسانه‌ها بر زندگی آنها فراهم کند و آگاهی مردم را از تأثیرات رسانه‌ها افزایش دهد. دستیابی به این سه موضوع کلیدی با چالش‌های جدیدی در محیط‌های رسانه‌ای جدید الگوریتم‌محور مواجه است [۴۸]. بنابراین، ضروری است که در برنامه درسی، آسیب‌های استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی مجازی و بازی‌های رایانه‌ای برای دانش‌آموزان تبیین شود [۳۷].

به همین دلیل، کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز اهمیت اساسی دارد و بیشتر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌شود. از این‌رو، محتوای کتاب‌های درسی نقشی اساسی در تحقق اهداف برنامه‌درسی ایفا می‌کند. توجه ناکافی و ناقص به سواد رسانه‌ای در کتاب‌های درسی سبب می‌شود که اهداف تعیین شده در حوزه رسانه، تحقق پیدا نکند [۵۷]. با بررسی‌های صورت گرفته، در کتاب‌های درسی پایه اول تا پنجم، اشاره‌ای به آموزش سواد رسانه‌ای نشده است [۳۷]. با وجود آن، در نظام آموزشی بسیاری از کشورهای دنیا همچون کانادا، ژاپن، آلمان، آمریکا، انگلیس، اسپانیا و آفریقای جنوبی، «سواد رسانه‌ای» یک واحد درسی در مقاطع تحصیلی به شمار می‌رود [۶۹]. همچنین، برخی کشورها نیز تمهیداتی را برای بومی‌سازی این مهارت اندیشیده‌اند و به مطالعاتی تطبیقی با وضعیت جوامع خود روی آورده‌اند. در کشور ما نیز چند سالی است که به این مبحث پرداخته شده، اما با توجه به جمعیت جوان جامعه و آسیب‌پذیر بودن آنها در برابر تأثیرات منفی رسانه‌ها باید در این زمینه تلاش‌هایی گسترده صورت گیرد و با بهره‌گیری از مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر و استفاده از تجارب آنها اهداف و رویکردهای سواد رسانه‌ای متناسب با نیازهای جامعه مشخص شود و با کمک نهادهای مختلف به ویژه آموزش عالی به توسعه و تعمیق آن اهتمام ورزیده شود؛ چرا که زندگی در دنیای رسانه‌ها زندگی در جهان شگفتی‌هاست [۷۰]. به عبارت دیگر، سواد رسانه‌ای از نیازهای دنیای جدید است و اگر خواسته شود که فرزندان از آسیب‌های به شدت رسانه‌ای شده، در امان باشند؛ باید این مسیر را شناخت و با رویکردی بومی طی کرد [۶۷]. در این خصوص، متخصصین حوزه سواد رسانه‌ای بر این باور هستند که عدم وجود

^۱. Alexander Riedl: Media Literacy Consultant

هفتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

الگوی بومی آموزش سواد رسانه‌ای، سبب شده است که آموزش سواد رسانه‌ای در کشور ما با نیازهای بومی فاصله زیادی داشته باشد و نتواند جوابگوی شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور باشد [۵۷]. بنابراین در فرآیند سواد رسانه‌ای باید ویژگی‌ها و الزاماتی در نظر گرفته شود از جمله:

- تکیه بر نظام معیار اسلامی؛
- تأکید بر تکوین و تعالی پیوسته هویت رسانه‌ای؛
- تأکید بر درک و آگاهی؛
- توجه به عنصر آزادی و اختیار؛
- یکپارچگی؛
- اعتدال و توازن؛
- توجه به ایجاد آمادگی برای حیات طیبه در همه ابعاد؛
- کسب شایستگی‌های فردی و جمعی؛
- فرآیندی تعاملی؛
- زمینه‌سازی و هدایت [۳۰].

ایران با ۵۰ سال تأخیر آموزش سواد رسانه‌ای را وارد نظام آموزش رسمی کرده است. انتشار کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای نخستین گام، برای آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس است و این شروعی است که می‌تواند روند بهبود مستمری را تا رسیدن به نتیجه ایده‌آل ببیماید. ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای زمانی می‌تواند موضوعیت پیدا کند که اراده دخیل باشد؛ اراده‌هایی چون خانواده، مدرسه، آموزش عالی، تشکلهای مردم‌نهاد و ... که می‌وانند منابعی برای کمک به رشد و توسعه آموزش سواد رسانه‌ای در جامعه باشند، همانگونه که می‌توانند مانع نیز باشند [۳۵]. بنابراین، باید با فراهم آوردن تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای اجرای برنامه درسی سواد رسانه‌ای که این مهم نیازمند همکاری، همیاری و کمک همه نهادها، سازمان‌ها و مراکز دولتی، صنعت، شهرداری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و ... است که با نگاه مثبت به این مقوله وارد عمل شوند [۶۳]. از طرفی از اواسط دهه هشتاد شمسی، سواد رسانه‌ای جای خود را در میان کتاب‌های دانشگاهی باز کرد و استادان ارتباطات و رسانه مقالات متعددی را ترجمه و تألیف کردند. تأکید نخبگان دانشگاهی و رسانه‌ای بر ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای به اقشار مختلف جامعه سبب شد تا در سالهای اخیر هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های زیادی با موضوع سواد رسانه‌ای در فرهنگسراها و مدارس کلان شهرهای کشور برگزار شود. مخاطبان این همایش‌ها عمدتاً قشر فرهنگی و اولیا و مربیان مدارس بودند. همچنین در برخی از مدارس نیز کلاس‌های فوق برنامه با این موضوع برگزار شده است؛ اما در نظام آموزش عمومی، سواد رسانه‌ای از سال ۱۳۹۱ در برنامه درسی تفکر و پژوهش پایه ششم، سال ۱۳۹۲ در برنامه درسی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم، سال ۱۳۹۳ در برنامه‌های درسی تفکر و سبک زندگی و مطالعات اجتماعی پایه هشتم، در سال ۱۳۹۴ در برنامه درسی زبان انگلیسی پایه نهم، بطور مستقیم و غیرمستقیم با رعایت نظام معیار و مصالح ملی و شرایط بومی پیگیری شد. از سال ۱۳۹۵ با برنامه درسی اختصاصی «تفکر و سواد رسانه‌ای» پایه دهم به استناد مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، «آموزش سواد رسانه‌ای» بطور رسمی وارد نظام آموزشی شد [۷۱]. اما به نظر می‌آید، شروع آموزش قبل از مقطع ابتدایی و از مهدکودک، طی یک دوره آموزشی چند ساله تأثیر قابل توجهی خواهد داشت؛ چرا که قرار دادن یک درس به نام تفکر و سواد رسانه‌ای در مقطع دبیرستان، باعث به وجود آمدن روحیه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان نخواهد شد و این امر، فرآیندی تدریجی و کاملاً تربیتی است که باید از سنین پایین اتفاق بیافتد [۴۴].

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

همچنین، «برنامه درسی ملی» به عنوان یکی از زیرنظام های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می آورد. این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش آموزان را میسر می سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه های درسی در سطوح ملی تا محلی می باشد تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام مند و ساختاریافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی بانشاط و مدرسه دوست داشتی را به تصویر بکشد.

در این سند و در بخش هفتم (شایستگی های پایه) و در قسمت مربوط به عمل؛ بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی آورده شده است. از طرفی حوزه ششم تربیت و یارگیری به کار و فناوری اختصاص یافته است. که در آن؛ کسب مهارت های عملی برای زندگی کارآمد و بهره ور و کسب شایستگی های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات (- فاوا)، جهت تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی گنجانده شده است. همچنین شایستگی های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از چهار دسته شایستگی قلمرو این حوزه شناخته شده است. جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش در این حوزه در دوره آموزش عمومی به صورت عینی، تجربی و عمدتاً درهم تنیده با دیگر حوزه های تربیت و یادگیری و از طریق تجربه در محیط های یادگیری واقعی و متنوع کسب خواهد شد. در تدوین فعالیت های یادگیری این حوزه در کلیه دوره های تحصیلی، دیدگاه فناورانه حاکم خواهد بود. فناوری اطلاعات و ارتباطات علاوه بر تلفیق با سایر حوزه های یادگیری می تواند بصورت مستقل ارائه شود [۲۶].

چاپ کتاب بخشی از ملزومات آموزش سواد رسانه ای است. توجه به محدوده دسترسی و سنی، زیرساخت ها، محتوا، روش های تدریس و ... نیز از ملزومات مهم دیگر است [۶۱]. در همین راستا توجه به اهداف، محتوا، روش و شیوه های ارزشیابی در یک برنامه درسی مهم تلقی می شود. بنابراین اهداف شامل، مضامین ناظر بر اهداف معرفت شناسی سواد رسانه ای در سه سازه اصلی (دانش، نگرش و مهارت) تکیه دارد، بخش عمده ای از اهداف به ارائه دانش درست و دقیق درباره مسائل مربوط به معرفت شناسی سواد رسانه ای و ضرورت شناخت کافی آن مدنظر است. همچنین در سطح نگرش ها، رویاروی ساختن برنامه ریزان آموزشی و معلمان آموزش سواد رسانه ای با فرصت هایی برای شناخت ارزش ها، نگرش ها و هنجارهای مرتبط با مسائل مدنظر است و در سطحی دیگر توانایی های رفتاری و ارتباطی را در مخاطبان ایجاد می کند [۶۷].

همچنین، محتوا باید ناظر بر هدف ها باشد و ریشه در فرهنگ و ارزش های جامعه داشته باشد. معمولاً در انتخاب محتوا باید به علوم مختلف، نگاه ترکیبی و تلفیقی داشت؛ ولی از آنجائی که معرفت شناسی سواد رسانه ای مخاطبان، قرابت نزدیکی با فناوری اطلاعات دارد و از جنبه های ظریف در زندگی امروزی است؛ لذا مهمترین منبع اساسی برای محتوای برنامه هویت شبکه رسانه ای است که بر مبنای آنها، محتوای آموزشی جهت مخاطبان تدوین می شود [۶۷]. راهبردها مجموعه ای از روش های آموزشی هستند که معلم برای رسیدن به اهداف یادگیری از آنها استفاده می کند. راهبردهای یاددهی یادگیری، فعالیت متقابل بین یاددهنده و یادگیرنده است که بر اساس طرحی منظم و هدف دار و به قصد ایجاد یادگیری در یادگیرندگان انجام می شود. در برخی از موقعیت های آموزشی، کنترل این فرآیند در اختیار یاددهنده است و در برخی دیگر نیز یادگیرنده، کنترل فرآیند را بر عهده می گیرد. بر اساس نظریه های یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرنده باید در فرآیند یادگیری به طور فعال شرکت کند و معلم از طریق راهنمایی، نظارت، ارائه بازخورد، تسهیل بحث و ایجاد انگیزه، به او در ساخت دانش کم کنند [۷۲]. همچنین ارزشیابی یک ابزار قدرتمند برای شفاف سازی اهداف آموزشی است. ارزشیابی، یک فرآیند و راهکار جهت تعیین میزان تحقق هدف های یک برنامه تلقی می شود. ارزشیابی کلاسی می -

هفتین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

تواند به بهبود یادگیری می‌انجامد و در کشف نقاط ضعف و قوت فعالیت‌های یاددهی یادگیری به آنان کمک کند. در چنین حالتی، ارزشیابی به موازات فرآیند یاددهی-یادگیری بکار می‌رود و از نتایج آن، به صورت مستمر برای بهبود فرآیند یادگیری استفاده می‌شود [۷۳]. در حال حاضر در بسیاری از نقاط جهان آموزش سواد رسانه‌ای یا به صورت کتاب‌های درسی اجباری یا اختیاری از سوی دولت یا مؤسسه‌های غیردولتی تدریس می‌شود که این موضوع اهمیت و جایگاه برنامه درسی در ترویج و توسعه سواد رسانه‌ای و همچنین جایگاه سواد رسانه‌ای به عنوان موضوعی مهم که باید در برنامه درسی گنجانده شود را نشان می‌دهد. بر این اساس برنامه‌های درسی به عنوان نقشه فرآیند یاددهی-یادگیری مطرح می‌باشد [۷۴].

می‌توان گفت عاقلانه نیست که قبل از آشنا کردن کودکان به سواد رسانه‌ای، آن قدر صبر کنیم تا خودشان پس از در معرض قرار گرفتن بسیار رسانه‌ها، آن مهارت را کشف کنند؛ چرا که ممکن است خیلی دیر شده باشد. همچنین، وابستگی کودکان به ابزارهای دیجیتالی به ویژگی‌های متمایز گروه‌های کودکان در جوامع پیشرفته تبدیل شده است؛ زیرا آنها تحت تأثیر فناوری و رسانه‌های دیجیتالی قرار دارند [۷۵]. بنابراین، برای شروع یک بحث در زمینه سواد رسانه‌ای و تحریک تفکر فلسفی کودکان، از یک قطعه شعر، مطلب یک روزنامه، یک فیلم و حتی رویدادهای معمول روزانه هم می‌توان کمک گرفت [۶۵]. پستمن^۱ در کتاب «افول دوران کودکی» تأثیر مخرب رسانه‌ها را برای کودکان یادآور شده، بیان می‌دارد که رسانه‌های جمعی جایگزین پدر و مادر در تربیت فرزندان می‌شوند بدون اینکه تفاوتی برای کودکان و بزرگسالان در محتوای برنامه‌های این رسانه‌ها باشد. کودکان به همه محتوایی دسترسی دارند که بزرگسالان دارند [۷۶]. در این بین، کودکان ایرانی از بدو تولد با رسانه‌های تلویزیون، کتاب، تلفن همراه و اینترنت در ارتباطند. از اینرو، یاد دادن به آنها راجع به رسانه‌ها و توانمند کردن آنها در مصرف رسانه‌ای‌شان نیازمند محتوایی است که مطابق اصول آموزشی و بر مبنای اندیشه‌های نظریه‌پردازان تدوین و تهیه شده باشد. آموزش کودکان و نوجوانان در هر کشوری لازمه ایجاد تحول در آن جامعه به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، امروزه توسعه‌یافتگی یک کشور تا اندازه بسیار زیادی تحت تأثیر وجود دستاوردهای تکنولوژیکی و آموزش استفاده بهینه آن قرار دارد. جوامعی که در آنها این تکنولوژی‌ها بسیار کم و یا اصلاً موجود نیست، توسعه‌نیافته به حساب می‌آیند. بنابراین هر اندازه که به مباحث توسعه با تأکید بر تکنولوژی‌ها از ابعاد مختلف پرداخته شود، کافی نیست؛ زیرا لازم است برداشتی جامع و منسجم در زمینه توسعه و نحوه استفاده از آن با تکیه بر آموزش سواد رسانه‌ای صورت گیرد. این امر یکی از نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه مانند ایران است. در چنین عصری باید کودکان و نوجوانان خود را به تفکر انتقادی مجهز نماییم و این آموزش را باید از دوران مدرسه و در کلاس درس به آنان آموخت تا در آینده به شهروندان آگاه و فعال تبدیل شوند [۴۲].

بنابراین بخش اعظمی از پرورش مهارت‌های کودکان از طریق مدارس صورت می‌گیرد و بر اساس رویکرد مهارت‌محوری^۲ نیاز است آموزش و پرورش کشور ما نسبت به توسعه سواد رسانه‌ای، از مهارت‌های ضروری برای کودکان در عصر ارتباطات، اقدامی مؤثر بردارد [۴۹]. در این بین، معلمان ابتدایی نیز مسئول کمک به کودکان در دستیابی به فرهنگ مناسب خود هستند و توانایی تولید دانش را عملاً به ارمغان می‌آورند. نقش آنها در توسعه فرهنگ کودک با استفاده از فناوری رسانه‌های دیجیتال حیاتی است و شامل استفاده از فناوری رسانه‌های دیجیتال به طور مؤثر، مناسب و به منظور توسعه رشد کودکان است. آنها همچنین می‌توانند از فناوری رسانه‌های دیجیتال برای بهبود مهارت‌های ارتباطی کودکان استفاده کنند و استعداد‌های هنری کودکان را در تمام هنرها، ادبیات، هنرهای زیبا و موسیقی توسعه دهند. علاوه بر این، آنها می‌توانند از رایانه و فناوری اطلاعات برای گسترش استعداد‌های خلاقانه کودک استفاده کنند و او را تشویق به جستجو، کشف و آزمایش و تلاش نمایند [۷۷].

^۱. Postman

^۲. Skill base

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

رشد و توسعه فن‌آوری‌های دیجیتال و اینترنت به شدت بر ادغام فن‌آوری دانش‌آموزان و به دست آوردن مهارت‌های بیشتری از آموزش و یادگیری کمک می‌کنند [۷۸]. که به منظور آموزش سواد رسانه‌ای و بصری به کودکان، کمک به کودکان در کشف انگیزه صاحبان رسانه و برنامه‌ها از محتوای تولیدشده، آموزش جنبه‌های مثبت‌منفی رسانه‌های دیجیتال به کودکان و شناخت زبان رسانه به عنوان راهکارهای پیشنهادی از سوی خبرگان مطرح شده است [۷۵]. برای آموزش سواد رسانه‌ای مخاطبان اصلی آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان هستند. دلایل آن هم چندان پیچیده نیست، دانش و تجربه کم این گروه و در نتیجه نیاز بیشتر آنها به آموزش یادگیری از یک طرف؛ و مقرون به صرفه بودن آموزش برای آنها از نظر طول مدت بازده سرمایه‌گذاری آموزشی از طرف دیگر؛ بیش از سایر گروه‌ها توجه برنامه‌ریزان این حوزه را به خود جلب کرده است. نکته مهمتر آن است که میزان در معرض قرار گرفتن این گروه از سایر گروه‌ها بیشتر است. البته این بدین معنا نیست که برای گروه‌های بزرگسال نباید آموزش داد، بلکه بزرگسالان اعم از معلمان و اولیا در زمره مشتریان بالقوه آموزش سواد رسانه‌ای هستند [۲۲].

بسیاری از کودکان و نوجوانان به شیوه‌های نادرست از اینترنت و منابع اطلاعاتی و ارتباطی استفاده می‌کنند. آنها در خانه و مدرسه، آموزش مؤثر و مفیدی برای استفاده از منابع اطلاعاتی و ارتباطی ندیده‌اند، از طرف دیگر نهاد خاصی هدایت آنها را بر عهده ندارد [۶۱]. بنابراین نیاز بیشتر این گروه به آموزش برای آنها از نظر طول مدت بازه سرمایه‌گذاری آموزشی بیش از سایر گروه‌ها توجه برنامه‌ریزان این حوزه را به خود جلب کرده است و مخاطبان اصلی آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان هستند [۶۶]. همچنین، آموزش با کیفیت سواد رسانه‌ای به این گروه سنی نه تنها بر غنای تعاملات رسانه‌ای آنها می‌افزاید، بلکه ظرفیت کودکان و نوجوانان را برای روبرو شدن با پیام‌ها، خیال‌پردازی، تصویر آینده‌های ممکن، و انسجام اجتماعی نیز افزایش می‌دهد [۴۲]. نباید فراموش کرد که کودکان و نوجوانان امروز نهال‌هایی هستند که هر چقدر در نگهداری و مواظبت از آنها دقیق‌تر و جدی‌تر باشیم، درختان تنومندتر و مفیدتری در آینده خواهیم داشت. برای حفظ و واکسینه کردن کودکان از هجمه‌های فرهنگی و عقیدتی می‌توان از دو روش بهره‌برد [۳۰]. روش اول، سانسور کردن و دور کردن همه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی از دسترس آنان است. این روش با توجه به پیشرفت‌های سریع و حتی غیر قابل پیش‌بینی در این حوزه و تجربه‌های گذشته در مورد این شیوه برخورد، غیرمنطقی و ناممکن است. روش دوم آموختن مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دانش‌هایی است که کودکان را بطور فعال برای قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها آماده کند یا به عبارتی دیگر افزودن نوعی درک متکی بر مهارت‌است که بر اساس آن بتوانند انواع رسانه‌ها و تولیدات رسانه‌ای را بشناسند و آنها را از یکدیگر تفکیک کنند که به این مجموعه اقدامات، «سواد رسانه‌ای» می‌گویند [۶۶].

در میان واکنش اولیه، آموزش مستقیم ارزش‌های تجویز شده به کودکان می‌باشد؛ این در حالی است که با توجه به اقتضائات عصر حاضر کودکان باید یاد بگیرند که چگونه برای خود قضاوت‌های اخلاقی قابل قبول داشته باشند [۷۹]. آنان باید بتوانند مهارت‌های تفکر انتقادی را در خود ایجاد کنند و بطور مؤثری در زندگی تحصیلی خود بکار ببندند [۴۲]. همچنین، دانش‌آموزان باید علاوه بر اینکه کارکردهای رسانه‌های موجود را بشناسند، بلکه باید با نگاه ارزیابانه و انتقادی به رسانه‌ها نگاه کنند [۸۰]. در این بین، کودکان برای استخراج پیام از محتوای رسانه‌ها باید حداقل علایم دیداری، شنیداری و محتوایی برنامه‌ها را بدانند، آنها را رمزگشایی کنند و برای مراجعه بعدی آنها را در حافظه خود نگهدارند. تمام این فعالیت‌ها در مقوله پردازش اطلاعات جای می‌گیرد موقعی که کودک در حال استفاده از رسانه‌هاست بطور مدام باید انجام شود [۶۲]. به عقیده بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت، بهتر است هر نوع آموزشی، از مقاطع پایین تحصیلی شروع شده و به صورت آهسته و پیوسته از مهد و پیش‌دستانی آغاز و تا آموزش عالی، و چه بسا این دست آموزش‌ها با توجه به ضرورت، مادام‌العمر از طریق مجاری رسمی و غیررسمی ادامه یابد. مقوله سواد رسانه‌ای هم از جمله این آموزش‌ها تلقی می‌شود [۳۵].

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

به بیان دیگر، در طول دوران کودکی تغییرات مشخصی در عقاید کودکان در واقعیت محتوای برنامه رسانه‌ها به چشم می‌خورد. کودکان سنین قبل از دبستان تمایل فکریشان این است که محتوای برنامه کاملاً واقعی است. در مقطعی بسیاری از آنها درمی‌یابند که برنامه‌های کارتونی و عروسکی واقعی نیستند. در سنین ۷ یا ۸ سالگی اغلب کودکان می‌دانند که حتی برنامه‌هایی که مردم واقعی را به تصویر می‌کشند، الزاماً خلاصه زندگی واقعی، نیستند. به نظر می‌رسد مهمترین تغییر در کنش متقابل میان کودکان و رسانه‌ها در محدوده زمانی بین ۶ تا ۹ سالگی صورت می‌گیرد و احتمالاً تغییر کم‌اهمیت‌تری در دوران نوجوانی رخ می‌دهد. درک کردن نحوه ساخت محتوای رسانه‌ها می‌تواند به کودکان کمک کند تا واقعیت و اعتبار چیزی که با آن در ارتباط هستند را ارزیابی کنند. کودکانی که فرآیند تولید را می‌فهمند، ممکن نیست آن قدر تحت تاثیر واقعیت ظاهری چیزی که می‌بینند، قرار بگیرند. آنها می‌دانند که محتوای برنامه یک حلقه است که با استفاده از تکنیک‌های هوشمندانه ساخته شده است و کودکانی که چیزی درباره فرآیند تولید برنامه و محتوای رسانه‌ها نمی‌دانند، تمایل بیشتری برای پذیرفتن واقعی بودن آن دارند [۲۲]. بنابراین ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه درسی دوره ابتدایی کاملاً احساس می‌شود که نکته قابل تاملی برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان درسی نظام آموزشی است، و این مهم با توجه جدی به اهمیت آموزش و بکارگیری آن می‌تواند زیرساخت‌های مناسبی جهت جهانی شدن و مواجهه با رسانه‌ها و جوامع خارجی را فراهم نماید و تبدیل به فرصتی برای تبادل اطلاعات و استفاده از تجربیات موفق جهانی با تکیه بر فرهنگ ایرانی-اسلامی در این زمینه باشد. فلذا آموزش سواد رسانه‌ای بایستی امری ضروری، فوری و با پشتوانه و حمایت جوامع یا به عرصه برنامه درسی بویژه برنامه درسی دوره ابتدایی بگذارد و رسانه را تبدیل به فرصتی برای پیشرفت کند.

۵. نتیجه‌گیری

عموماً در کشورهای توسعه‌یافته، سواد رسانه‌ای به عنوان یک ضرورت در جوامع تلقی می‌شود و توسعه و بسط سواد رسانه‌ای در جامعه یکی از رسالت‌های اصلی دولت‌ها در دوران نوین اطلاعاتی است. همچنین آموزش سواد رسانه‌ای در دوره‌های تحصیلی و مهارت‌آموزی در اکثر کشورهای ذکر شده خصوصاً کانادا و ایتالیا؛ در حال اجرا می‌باشد. به علاوه توجه به سنین ابتدایی تحصیلی و دوره‌های پایین‌تر نظام آموزشی به جهت حساسیت موضوع سواد رسانه‌ای و لزوم توجه جدی به آن در حال افزایش است. اما متأسفانه در کشور ما، با توجه به سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته، آموزش سواد رسانه‌ای در دوره متوسطه دوم ارائه می‌شود که نشان از ضعف در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی است. از سوی دیگر با توجه به اهمیت موضوع سواد رسانه‌ای در سراسر دنیا، توجه به سواد رسانه‌ای و ورود آن به دوره‌های پایین‌تر، ضرورتی انکارناپذیر است. این امر مستلزم نیازسنجی، برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی ابتدایی کشورمان است. همچنین با توجه به حساسیت موضوع و با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد، که بصورت رسمی آموزش سواد رسانه‌ای در پایه‌های پایین‌تر تحصیلی صورت نمی‌گیرد که این نشان از عدم توجه به اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در این برهه حساس می‌باشد. به عبارت دیگر، آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه درسی دوره اول ابتدایی در این برهه زمانی، می‌تواند جایگاه سواد رسانه‌ای را در دوره ابتدایی تحصیلی بهبود بخشد و باعث ایجاد نگاهی نو به سواد رسانه‌ای و دوران حساس ابتدایی شود. بنابراین به جهت حساسیت موضوع سواد رسانه‌ای خصوصاً در دوره اول ابتدایی و لزوم آموزش و تجهیز دانش‌آموزان به این ابزار ارزشمند در برابر خیل عظیم پیام‌های سازماندهی شده، امید است نتایج این پژوهش مسیر جدیدی را در حوزه پژوهش‌های برنامه درسی و سواد رسانه‌ای بگشاید.

در نهایت می‌توان گفت با توجه به تغییرات افسارگسیخته فناوری‌های نوین و همچنین تغییر مصرف رسانه‌ای جوامع و پیدایش و ورود آموزش مجازی به شیوه نوین و در پی آن مواجهه دانش‌آموزان با رسانه‌ها، سواد رسانه‌ای بیش از پیش نقشی حیاتی

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

در نظام آموزشی ایفا می کند. از سوی دیگر پژوهش هایی نیز بر لزوم آموزش سواد رسانه ای در دوران ابتدایی تحصیل و دوران پیش از دبستان نیز تاکید می کند که این مهم نشان از جایگاه ویژه رسانه ها در تاثیرگذاری بر جوامع است. همچنین با توجه به اهمیت موضوع سواد رسانه ای و ضرورت توجه جدی به آن لازم است بسترهای مناسب توسعه سواد رسانه ای فراهم شود تا فرد بتواند آزادانه دست به گزینش بزند. بنابراین استفاده از بسترهای نظام آموزشی و ظرفیت مدارس جهت آموزش سواد رسانه ای امری ضروری در عصر حاضر می باشد که نیازمند توجه جدی سیاستگذاران و برنامه ریزان درسی است. با توجه به مطالب اشاره شده، می توان گفت، نظام تعلیم و تربیت وظیفه دارد ضمن پاسخگویی به نیازها و مطالبات جوامع، رسالت تربیتی خود را به درستی انجام دهد و در این راه تمامی ظرفیت های در اختیار خود را بکار ببندد. در همین راستا ورود برنامه درسی سواد رسانه ای در دوره ابتدایی به جهت حساسیت موضوع و پیشرفت روزافزون رسانه ها، نیازمند بررسی موشکافانه و ارائه برنامه درسی متناسب با دوره ابتدایی است.

۶. مراجع

۱. طلوعی، علی. *سواد رسانه ای: درآمدی بر شیوه یادگیری و سنجش*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها، ۱۳۹۱.
۲. Koc M, Barut E. Development and validation of New Media Literacy Scale (NMLS) for university students. *Computers in human behavior*. ۲۰۱۶ Oct ۱; ۶۳: ۸۳۴-۴۳.
۳. رحیمی، رضا، سلطانی فر، محمد، عزیزآبادی فراهانی، فاطمه، زمانی مقدم، افسانه، نصیری، بهاره. مقایسه نظرات نخبگان و مجریان در خصوص الزامات آموزش سواد رسانه ای (با رویکرد فرهنگی) به دانش آموزان ابتدایی. مدیریت فرهنگی. ۱۳۹۵ [cited ۳۱-۴۹. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۷۲۶۳۳>. ۲۰۲۲ July ۱۸]; ۱۰(۳۳-۳۴): ۳۱-۴۹.
۴. Hobbs R. *Reading the media in high school: Media literacy in high school English*. New York: Teachers College Press; ۲۰۰۷.
۵. تقی زاده. اثربخشی آموزش سواد رسانه ای بر دانش آموزان در شهر کرمان. *پژوهش های ارتباطی*. ۲۰۱۷- ۱۵۳(۲۴): ۹۲-۲۲. Dec ۲۲. ۷۴.
۶. عبدلی سلطان احمدی، جواد، علیزاده، رقیه، حداد، زهرا. تاثیر آموزش سواد رسانه ای بر مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان. *مطالعات رسانه های*. ۱۳۹۷ July ۱۳; ۱۳(۱) (پیاپی ۴۰): ۱۱۹-۱۳۴. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۷۲۹۱۳>
۷. نیازی، لیلا، زارعی زوارکی، اسماعیل، علی آبادی، خدیجه. تاثیر آموزش سواد رسانه ای مبتنی بر فناوری بر میزان آگاهی دانش آموزان. *مطالعات رسانه های نوین*. ۱۳۹۵. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۳۳۴۶۰۳> [cited ۲۰۲۲ July ۱۸]; ۲(۷): ۱۱۹-۱۵۶.
۸. عدلی پور، صمد، میرمحمدتبار، سیداحمد، یزدخواستی، بهجت. تحلیل ثانویه تحقیقات موجود درباره شبکه اجتماعی فیس بوک، جوانان ایرانی و نظم جامعه. *نشریه دین و ارتباطات*. ۱۳۹۴: ۸۷-۱۱۵. magiran.com/p۱۵۴۸۰۸۵; ۲۲(۲): ۸۷-۱۱۵.
۹. Zulkifli H, Hashim R. Philosophy for children (P4C) in improving critical thinking in a secondary moral education class. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*. ۲۰۲۰ Feb ۲۹; ۱۹(۲): ۲۹-۴۵.
۱۰. Pereira S, Moura P. Assessing media literacy competences: a study with Portuguese young people. *European Journal of Communication*. ۲۰۱۹ Feb; ۳۴(۱): ۲۰-۳۷.
۱۱. فرهنگی، علی اکبر؛ نصیری، بهاره. ارتباطات اجتماعی سالم با رسانه ها از طریق سواد رسانه ای، *پژوهشنامه سواد رسانه ای*، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۱۳۸۷.

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

۱۲. تقی پور، ف، فولادی نژاد م. عملکرد رسانه ها و آموزش شهروندان ۱۴۰۴. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴ : ۱۳۹۰ undefined;
۱۳. Oxstrand B. Media literacy education-A discussion about media education in the western countries, Europe and Sweden, ۲۰۰۹.
۱۴. Hallaq, T. Evaluating Online Media Literacy in Higher Education: Validity and Reliability of the Digital Online Media Literacy Assessment (DOMLA). *Journal of Media Literacy Education*, ۸(۱), ۶۲-۸۴. (۲۰۱۶).
۱۵. UNESCO. Media and Information Literacy Curriculum for Teacher, Edited: Alton. G & Carolyn. W. (۲۰۱۱). from: <http://www.unesdoc.unesco.org/images/0019/001929/192971e.pdf>.
۱۶. Silverblatt, A. *Approaches to Media Literacy*. M.E. Sharpe Publications, ۲۰۰۹.
۱۷. ملکی، حسن. برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: مدرسه، ۱۳۹۱.
۱۸. خوشنویس، ناهید. سواد رسانه ای، سازوکار مقاومت در برابر تهاجم رسانه. ماهنامه انجمن روابط عمومی ایران، شماره ۷۲، ۲۰-۱۳۸۹. ۱۳
۱۹. O'Neill B. Media literacy and communication rights. *International communication gazette*. ۲۰۱۰ Jun; ۷۲(۴-۵): ۳۲۳-۳۸.
۲۰. Eristi B, Erdem C. Development of a media literacy skills scale. *Contemporary Educational Technology*. ۲۰۱۷ Jul ۱; ۸(۳): ۲۴۹-۶۷.
۲۱. وزارت آموزش و پرورش. سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی تهران. وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۹۰.
۲۲. دهقان شاد، حوریه، محمودی، محمد. بررسی ضرورت آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان از نگاه متخصصان آموزش و پرورش شهر تهران. مطالعات رسانه ای. ۱۳۹۱. ۸۲-۶۹: ۷(۱۶); ۷(۱۸) July ۲۰۲۲ [cited ۲۰۲۲ July ۱۸]. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۱۹۳۸۸>
۲۳. Tornero JP, Varis T. Media literacy and new humanism. Moscow: UNESCO Institute for Information Technologies in Education; ۲۰۱۰ Mar ۱۵.
۲۴. Kress G. Literacy in the new media age. Routledge; ۲۰۰۳ Sep ۲.
۲۵. فتحی واجارگاه، کورش. اصول برنامه ریزی درسی. تهران، ایران زمین. ۱۳۸۸.
۲۶. وزارت آموزش و پرورش. سند تحول تربیت رسمی و عمومی تهران. وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۹۹.
۲۷. Moorhouse EA, Brooks H. Critical media literacy approaches to violence prevention: A research note. *Journal of Media Literacy Education*. ۲۰۲۰; ۱۲(۱): ۸۴-۹۹.
۲۸. ساروخانی، باقر. جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۸۱.
۲۹. Hoge E, Bickham D, Cantor J. Digital media, anxiety, and depression in children. *Pediatrics*. ۲۰۱۷ Nov; ۱۴۰(Supplement_۲): S۷۶-۸۰.
۳۰. صلواتیان، سیاوش؛ حسینی، سیدبشیر؛ معتضدی، سینا. طراحی الگوی آموزش سواد رسانه ای به نوجوانان، دوفصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۶(۱۰)، ۱۳۹۶.
۳۱. روشن دل ارتباطی، طاهر. نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت. پژوهش های ارتباطی (پژوهش و سنجش). ۱۳۸۷. ۱۴۱-۱۶۲: ۱۵(۵۵); ۱۵(۵۵) July ۲۰۲۲ [cited ۲۰۲۲ July ۱۸]. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۰۳۰۷۸>
۳۲. شریفی، کرمی نامیوندی. بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور. دین و ارتباطات. ۲۰۱۹. ۴۰-۱۱۱: ۲(۲۵); Feb ۲۰۱۹.
۳۳. Chang CS, Liu EZ, Lee CY, Chen NS, Hu DC, Lin CH. Developing and validating a media literacy self-evaluation scale (MLSS) for elementary school students. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*. ۲۰۱۱ Apr; ۱۰(۲): ۶۳-۷۱.
۳۴. Li-Vollmer M. Race representation in child-targeted television commercials. *Mass Communication & Society*. ۲۰۰۲ May ۱; ۵(۲): ۲۰۷-۲۸.

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

۳۵. نصیری، بهاره؛ بختیاری، آمنه. ارتقای سطح سواد رسانه‌ای والدین تهرانی در خصوص استفاده فرزندان از فضای سایبری، دومین همایش بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با موضوع خانواده، تهران، ۱۳۹۷.
۳۶. شورت، ادموند سی، روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران؛ سمت، ۱۳۸۸.
۳۷. محمودی، سیروس. بررسی برنامه درسی دوره ابتدایی و متوسطه اول و دوم بر مبنای توجه به مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای. *جامعه فرهنگ رسانه*. ۱۱۲-۹۵: ۷(۲۸); ۱۳۹۷, ,
۳۸. Giddens, A. *Modernity and Self Identity: Self and Society in the late modern age*, Translated by N. Movafaghian, m Tehran: Nay Publication, ۲۰۱۹.
۳۹. ابهرزنجانی، فرزانه، خردمند، آرزو. بررسی رابطه نقش سواد رسانه‌ای و سبک فرزندپروری با آسیب‌های فضای مجازی در مقطع ابتدایی پایه پنجم دبستان. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*. ۲۰۲۱ ۳۷-۱۲۹: ۴(۴); ۲۳; Oct.
۴۰. شجاعی، مهناز، امیرپور، مهناز. بررسی وضعیت سواد رسانه‌ای دانشجویان خراسان شمالی در جامعه اطلاعاتی. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. ۵۶-۴۳: ۳(۷); ۳(۷); ۲۰۲۲ July ۱۸; ۱۳۹۱ [cited]. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۰۲۱۲۹>
۴۱. Jernigan, J. A.; Low, D. E.; Helfand, R. F. Combining Clinical and Epidemiologic Features for Early Recognition of SARS. *Emerging Infectious Diseases*, ۲۰۲۰, ۱۰(۲), ۳۲۷-۳۳۳. <https://dx.doi.org/10.3201/eid1002.030741>.
۴۲. میزبانی. جایگاه سواد رسانه در نظام آموزش و پرورش. *فصلنامه علوم خبری*. ۲۰۲۱ ۲۰۰-۱۷۳: ۹(۳۶); Feb ۱۹.
۴۳. مهدیزاده، سیدمحمد. *نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. همشهری؛ تهران، ۱۳۹۱.
۴۴. ساعی، منصور، بصیریان جهرمی، حسین، دهناد، امیرحسین. تحلیل موانع فراروی توسعه آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ایران از منظر سیاست‌گذاران، مجریان سواد رسانه‌ای و متخصصان رسانه. *فصلنامه علمی مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*; ۱۴۰۰, ۴(۴): ۶۶-۳۷. doi: ۱۰,۲۲۰۸۵/jiscm.۲۰۲۱,۱۴۰۶۰۴
۴۵. عقیلی، سیدوحید، راسخ‌محمدی، صغری. عوامل مؤثر در پیشرفت سواد رسانه‌ای در میان دانشجویان. *مدیریت فرهنگی*, ۱۳۸۷: ۲ (پیش شماره سوم): ۳۲-۲۱.
۴۶. سید حسین میرجلیلی. سواد اطلاعاتی نگاهی به تحول مفهوم سواد در عصر اطلاعات. *نشریه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات*, ۱۳۸۵: ۱۰۹. magiran.com/p382800; ۱۷(۱):
۴۷. Potter, W. J., *Media Literacy*. ۴th ed. Sage publication. Teacher Survey, ۲۰۰۸ <http://www.westga.edu/~byates/teacher.htm> ۲۰۰۰.
۴۸. Potter WJ. The state of media literacy. *Journal of broadcasting & electronic media*. ۲۰۱۰ Nov ۳۰; ۵۴(۴): ۶۷۵-۹۶.
۴۹. سالاریان، عنایت، صالحی‌امیری، سیدرضا، سلطانی‌فر، محمد، قیومی، عباسعلی، ابطحی، عطاءاله. بررسی چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان اول ابتدایی. *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*. ۱۳۹۸: ۸ (۳): ۲۳۶-۲۰۹.
۵۰. اسدی، عباس؛ ضیایی نجف‌آبادی، مریم. حق عمومی آموزش سواد رسانه‌ای. *علوم خبری، سال چهارم*, ۱۳۹۴.
۵۱. خوش‌زبان، علی، سلطانی‌فر، محمد، دلاور، علی. نقش مؤلفه‌های احساسی و اخلاقی سواد رسانه‌ای در توسعه سرمایه اجتماعی در بین شهروندان تهرانی. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*. ۱۳۹۸: ۳۷-۶۰: ۲۰(۴۸); ۲۰(۴۸); ۲۰۲۲ July ۱۸; [cited]. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۹۴۵۳۱>
۵۲. Center for media literacy (۲۰۲۰). (CML)
۵۳. Vee A. Coding literacy: How computer programming is changing writing. Mit Press; ۲۰۱۷ Jul ۲۸.

هفتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

۵۴. شربتیان، محمدحسن. *ضرورت سواد رسانه‌ای برای توسعه جامعه اسلامی ایران*. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ۱۳۹۳. <https://search.ricest.ac.ir/DL/Digitization/CheckDigitalTypes.aspx?DTC=۳۶&DC=۸۷۶۳۰>
۵۵. امیرانتخابی، شهرود؛ رجبی، سیدمسعود. *بررسی و تحلیل سطوح مختلف سواد رسانه‌ای*. انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.
۵۶. نیاورانی، صابر. منزلت «حق بر آموزش» در نظام بین‌المللی حقوق بشر. *مجله تحقیقات حقوقی*. ۱۳۸۹. [cited ۲۰۲۲July۱۸]; Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۶۴۳۴۰> (۵۲): ۳۸۱-۴۳۳.
۵۷. محمودی، سیروس، رستگار، احمد، ایمانی‌فر، حمیدرضا. *بررسی آسیب‌ها و چالش‌های آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس*. جامعه فرهنگ رسانه. ۱۰۰-۸۳ (۳۳): ۱۳۹۸.
۵۸. فتح‌آبادی، بهاره، دادگران، محمد، نصیری، بهاره، هاشمی، شهناز. عوامل مؤثر بر ارتقاء آموزش سواد رسانه در مدارس از دیدگاه کارشناسان کمیسیون اتحادیه اروپا. *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۳۹۸. doi: ۱۶۷-۱۹۰. (۲): ۹(۲) ۵۰۷۹، ۲۰۲۰، ۳۰۴۶۵/ismc.
۵۹. صمدی، معصومه. *تحلیل گزاره‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. *نشریه دین و ارتباطات*، ۱۴۰۰؛ ۲۳۶۱۶۹۲. magiran.com/p۲۳۶۱۶۹۲. ۲۴۹-۲۷۵. (۲): ۲۸(۲)
۶۰. نصیری، بهاره، عقیلی، سیدوحید. *بررسی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای کانادا و ژاپن*. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۳۹۱؛ (۱): ۱۱(۱) ۱۳۷-۱۶۰.
۶۱. امیری، جهاندار، زابلی‌زاده، اردشیر، کرمی‌نومیوندی، سجاد. *راهکارهای افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی معلمان*. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۳۹۸؛ ۱۴ (شماره ۳): ۷-۲۲.
۶۲. سلطانی‌فر، محمد. *سانسور یا سواد رسانه‌ای؟ رسانه، ۱۳۸۵، سال هفدهم (۴)، ۱۰۷-۱۰۰*.
۶۳. یزدانی‌پرائی، سلیمی، لادن. *مقایسه تطبیقی برنامه‌های درسی مربوط به سواد رسانه‌ای بین کشورهای کانادا، ژاپن و ایران*. *پیشرفتهای نوین در مدیریت آموزشی* (۲۰۲۱)، ۳ (۱)، ۷۶-۱۰۰.
۶۴. Kellner D, Share J. *The critical media literacy guide: Engaging media and transforming education*. Brill; ۲۰۱۹ May ۲۰.
۶۵. انصاری، سعید، سراجی، فرهاد، یوسف‌زاده، محمدرضا. *تبیین الگوی آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی بر اساس اصول فیک*. *تفکر و کودک* ۲۰۲۰، ۵۵۴۸، ۳۰۴۶۵/fabak. doi: ۱۰-۲۶. (۱): ۱۱(۱) ۱۳۹۹.
۶۶. عیدی‌نجف‌آبادی، زهرا، سعادت‌مند، زهره، کشتی‌آرای، نرگس. *مؤلفه‌های برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره دوم ابتدایی*. *فصلنامه توسعه آموزش جندی شاپور/هواز*. ۱۴۰۰؛ ۱۸۳۸، ۲۹۲۴۶۵، ۲۰۲۱، ۲۲۱۱۸/edc. doi: ۶۲-۷۲. (۰): ۱۲(۰)
۶۷. علیقارداشی، عزت، سیفی، محمد، غفاری، خلیل، پویا، علیرضا. *معرفت‌شناسی سواد رسانه‌ای در نظام‌های آموزشی کانادا و ژاپن* به‌منظور الگوی بومی‌سازی سواد رسانه‌ای در ایران. *فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۱۳۹۸؛ (۲): ۱۰(۲) (پیاپی ۳۸): ۱۱۵-۱۳۵.
۶۸. بیرقی‌فرد، علی؛ کارگر، فاطمه؛ یالاری، صدیقه، کارگر، مجتبی. *شبکه آموزشی دانش‌آموزی (شاد)*، *فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۱۳۹۹، ۳ (۳)، ۵۲-۶۶.
۶۹. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. *تفکر و سواد رسانه‌ای*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۶.

هفتین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران

۷۰. فلسفی، سیدغلامرضا. رویکردی تطبیقی به سواد رسانه‌ای در کشورهای توسعه یافته. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۳۹۴؛ ۹(شماره ۱) (پیاپی ۲۴): ۱۵۹-۱۷۴.
۷۱. دانشور، میترا؛ و همکاران. *تفکر و سواد رسانه‌ای*. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۹۸.
۷۲. ابراهیم‌پور کومله، سمیرا، نادری، عزت‌الله، سیف‌نراقی، مریم. شناسایی و بررسی ویژگی‌های مطلوب عناصر برنامه‌دستی برای نیل به پرورش مهارت‌های حل مسأله در درس مطالعات اجتماعی برای دوره ابتدایی تحصیلی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*؛ ۱۳۹۶؛ ۶(۱): ۱۲۵-۱۷۲.
۷۳. ابراهیم‌پور، حبیب، روشن‌دل اربطانی، طاهر. بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حکمرانی پایداری در ایران. مدیریت دولتی. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۸۸۱۳۴> [cited ۲۰۲۲July۱۸]; ۱(۱): ۳-۱۸. ۱۳۸۷
۷۴. جاودانی، محمد، مرزوقی، رحمت‌اله، فولادچنگ، محبوبه، محمدی، مهدی، ترک‌زاده، جعفر. تدوین الگوی کیفی مدیریت فرآیندهای یاددهی - یادگیری در دوره ابتدایی. *پژوهش های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)*. ۱۳۹۴؛ ۲۲ [cited ۲۰۲۲July۱۸] (دوره جدید) (۷): ۱۳۳-۱۴۸. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۸۹۴۶۲>.
۷۵. جهانشاهی، امید؛ تیموری، میثا؛ سیفی دیجوجین، میترا *فصلنامه مطالعات رسانه‌های جدید*. سال ششم، دوره دوم، شماره ۷، (پیاپی ۲۲)، ۱۱۱-۹۳، ۱۳۹۹.
۷۶. Hobbs R. "A most mischievous word": Neil Postman's approach to propaganda education. *Harvard Kennedy School Misinformation Review*. ۲۰۲۱ Apr ۲۲.
۷۷. Ihmeideh F, Alkhaldeh M. Teachers' and parents' perceptions of the role of technology and digital media in developing child culture in the early years. *Children and Youth Services Review*. ۲۰۱۷ Jun ۱; ۷۷: ۱۳۹-۴۶.
۷۸. Techataweewan W, Prasertsin U. Development of digital literacy indicators for Thai undergraduate students using mixed method research. *Kasetsart Journal of Social Sciences*. ۲۰۱۸ May ۱; ۳۹(۲): ۲۱۵-۲۱۱.
۷۹. Gazzard A. Do you need to know philosophy to teach philosophy to children? A comparison of two approaches. *Analytic teaching and philosophical praxis*. ۲۰۱۲; ۳۳(۱): ۴۵-۵۳.
۸۰. شریفی‌رهنمو، مجید، سراجی، فرهاد، شریفی رهنمو، سعید. نیازهای سواد رسانه‌ای دانشجویان دوره کارشناسی. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*. ۱۳۹۷؛ ۹(۱۸): ۷۱-۹۳. [cited ۲۰۲۲July۱۸]; ۹(۱۸): ۷۱-۹۳. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۱۳۳۶۴۹۳>.
۸۱. بشیر، حسن، جعفریان، مجید. کاوش در فرآیند تأثیر نرم‌افزارهای قرآنی بر فهم قرآنی کودکان از دیدگاه مادران. *دین و ارتباطات*، ۱۳۹۶؛ ۲۴(۱): ۱۷۱-۱۹۷. doi: ۱۰.۳۰۴۹۷/rc.۲۰۱۷.۲۰۰۷
۸۲. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی، شورای عالی آموزش و پرورش، ایران، ۱۳۹۱.
۸۳. فتحی‌واجارگاه، کورش، هویت‌های برنامه درسی. تهران: آبیژ، ۱۴۰۰.
۸۴. The World Health Organization (WHO), Coronavirus (COVID_۱۹). Retrieved in ۱۳ April ۲۰۲۰, ۱۰-۳۰ Am, from WHO, ۲۰۲۰. Available at: <http://who.sprinkler.comoced.org/coronavirus/en/>.
۸۵. Valtonen T, Tedre M, Mäkitalo K, Vartiainen H. Media Literacy Education in the Age of Machine Learning. *Journal of Media Literacy Education*. ۲۰۱۹; ۱۱(۲): ۲۰-۳۶.
۸۶. Hobbs R, Jensen A. The past, present, and future of media literacy education. *Journal of media literacy education*. ۲۰۰۹; ۱(۱): ۱.